

مردم ایران دیپلوماسی مخفی برای احیای سنتور امحکوم می کنند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۷۶
دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

برگ جدید (... غربی) کارنامه صادق قطب زاده

□ صادق قطب زاده از قول سفیر جمهوری اسلامی ایران هم خبر جعل میکند

بر کارنامه مبارزات «نه شرقی...» صادق قطب زاده هر روز برگ «... غربی» جدیدی افزوده می شود. قطب زاده که روز ۱۴ تیر ماه ضمن اطلاعیه ای مدعی می شود که برای «مسلم شده» که توطئه های عظیم برای اشغال سفارتخانه های ایران در خارج وجود دارد، (۱۴ تیر - روزنامه ها) برای آنکه پیروزی بزرگ دیگری در جهت اجرای سیاست «نه شرقی...» کسب کند، اعلام می دارد که: «... در ساعت ۲ بعد از ظهر امروز سفیر جمهوری اسلامی در شوروی تلقنی اطلاع داد که عده کثیری در جلوی سر کنسولگری ایران دریا کو جمع کرده و صداتش زدن سر کنسولگری ایران را دارند و متذکر شده که این عده مجبور به مواد آتشزا هستند...» (۱۴ تیر - روزنامه ها)

بعضی ها که صادق قطب زاده و ابتکارات او را نمی شناسند این حرف را باور کردند، آخر دروغ که به این بزرگی نمی شود! آنهم از جانب وزیر از قول سفیر... اما تکذیب نامه دکتر مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی نشان می دهد که وزیر خارجه کنونی باز خبر جعل کرده، اگر دقیقه قبل از قول رئیس جمهور پاناما بوده، این بار از قول سفیر خود جمهوری اسلامی است و اگر باز هم خدمات ایشان ادامه یابد، آقای قطب زاده میتواند دروغ از این بزرگتر هم بگوید. «... دکتر مکرری در يك صحبه تلفنی گفت وی شخصا به همراه يك گروه چندصد نفری ایرانیان از میان خیابان های بلگراد به مسجد اصلی این شهر رفته اند. مکرری گفت آن ها شعار الله اکبر و خمینی رهبر می دادند و سپس در مسجد مراسم نیایش به جا آوردند... وی موضوع را به عنوان يك مسئله داخلی توصیف کرد و گفت اوضاع در سر کنسولگری ایران آرام است. وی گزارش تهران هینی را اجتماع مردم خشمگین در خارج کنسولگری و به آتش کشیدن آن را تکذیب کرد...» (۱۵ تیر - آزادگان)

یعنی اولاً صادق قطب زاده دروغ می گوید، ثانیاً طبق معمول آنچه را که با سیاست «نه شرقی...» وی منطبق نیست مارک شرقی می زند، تا گام دیگری در جهت «نهی ابرقدرت ها!» بردارد.

بعلاوه صادق قطب زاده برای اجرای پیگیرانه سیاست «نه شرقی...» اخیراً عراق راهم شوروی مستقل دانسته است که بدون مشورت با غرب علیه جمهوری اسلامی ایران وارد عمل می شود! به نظر می رسد کمتر کسی در جهت اجرای هتکراه! سیاست «نه شرقی...» تا این اندازه پیروزی های بزرگ! کسب کرده باشد.

قبیح است که وزیر امور خارجه کشور انقلابی ما - جمهوری اسلامی ایران - چنین سبک وزن رفتار کند و برای پیش برد منویات خویش و نظریات ویژه ای که نه با قانون اساسی ما میخواند و نه با اهداف انقلاب، حتی از جعل خبر آنهم از قول سفیر ایران، ابائی نداشته باشد.

دادهای دو جانبه ای که پس از آن بین اعضای این پیمان (ایران، ترکیه، پاکستان) و ایالات متحده آمریکا منعقد گشت مبتنی بر همکاری در مبارزه با تجاوز مستقیم یا غیر مستقیم کمونیستی بود.

باید توجه داشت که امپریالیستها و شرکایشان در منطقه در تجاوز «کمونیسم» هر گونه جنبش رهایی بخش ملی را که منافشان را مورد تهدید قرار دهد در نظر داشتند. برای آنها جنبش اسلامی تحت رهبری امام خمینی هم کمونیستی است. انقلاب ایران این قراردادها و آن پیمان را که حافظ منافع امپریالیسم و وثیقه وابستگی ایران بود از هم درید یعنی آشکارا، اصولی را که پایه این قرارداد بود نفی کرد. پیمان سنتور که برخلاف منافع مردم ایران بسته شده بود بنام خود مردم دفن شد.

پیمان سنتور، مانند هر قرارداد دیگری که در آن منافع عینی خلقها منعکس نشده باشد و به همین دلیل نیز خلقها در پشت آن نایستند، پایه محکمی نداشت و از همان ابتدا معلوم بود که ارزش واقعی ندارد. سنتی پیمان پیمان بقیه در صفحه ۲

تلاش برخی از محافل مسئول ایران و در رأس آنها آقای قطب زاده وزیر امور خارجه برای احیای روح پیمان سنتور می تواند عواقب بسیار ناگوار برای کشور ما و انقلاب ما داشته باشد. اصول، مبانی و محتوای پیمان سنتور با اصول، مبانی و محتوای انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ما تضاد درونی داشته و به همین دلیل نیز هزمنان با او چگیری جنبش انقلابی چون کمانش پاره ای برارزش از هم دریده و پریا هادان تاریخ افکنده شد.

از این دیدگاه تلاش برای احیای پیمان سنتور، (فرق نمی کند که محتوای پیمان سنتور روی کاغذ بیاید یا نیاید و با دیپلوماسی مخفی اجرا گردد) یک عمل عمیقاً ضد انقلابی است.

پیمان سنتور بر اصل وحدت منافع رژیمهای وابسته و ضد ملی ایران و ترکیه و پاکستان با کشورهای امپریالیستی (آمریکا و انگلستان) و در واقع تمیث سه کشور منطقه از دو قدرت امپریالیستی برای حفظ و حراست از منافع امپریالیستها در منطقه بنا شده بود. پیمان سنتور و قرار-

مسئله مهم تر کیه اخلاقی را به چگونگی حجاب زنان محدود نکنیم!

این نخستین بار نیست که امپریالیسم بس کردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن از این شیوه عمل علیه ایران و انقلاب آن بهره گیری میکنند. مدت ها است که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی لزوم پاکسازی ادارات و دستگاه های دولتی از بس مانده های ساواک و عناصر ضد انقلابی را تذکر داده بودند. کمیسیونهای پاکسازی هم تشکیل شد. ولی نتیجه کار آنها را دیدیم که چگونه قلب حساس رهبر انقلاب را بدرد آورد تا پیام اخیر خود «انقلاب را در انقلاب» پی ریزی کنند. آیا این نتیجه لبرالیسم دولت بازرگان و سیاست «گام گام» او نبود که بوسیله عمال امپریالیسم آمریکا نظیر امیران نظامی، مراغه ای ها، تزیها... تقویت و پیاده میشد!

چنین بود مسئله انقلاب فرجه ای که در پییم در عمل چگونه کار به درگیری خونین در محیط دانشگاه کشانده شد، و آیا این در بقیه در صفحه ۲

یکی از شیوه های عمل امپریالیسم و ضد انقلاب پرورده های علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن همانا دامن زدن به احساسات افراطی و تاملات انحرافی چه در امور سیاسی، چه در مسائل اجتماعی و اقتصادی، چه در دشواری فرهنگی، چه در مسائل اخلاقی و عقیدتی است.

رویدادونی بیش ها، اندیشه ها، تمایلات و احساسات مختلف در جریان حل مسائل مهم و مشکلات مهم اجتماعی، بویژه در دوران انقلاب بزرگ اجتماعی که نوسازی بنیادی سراسر جامعه در دستور روز قرار میگیرد، البته امریست طبیعی. اما همینجا است که دشمن غدار و توانگر با همه وسائل و امکانات گسترده اش مداخله میکند تا جریان طبیعی را از مسیر عادی خود منحرف سازد، به پیروان کثافت و مانع از حصول نتیجه مثبت و سازنده به نفع انقلاب شود. یکی از نمونه های بارز این شیوه عمل امپریالیسم و ضد انقلاب در این روزها در مسئله پوشش اسلامی ملاحظه میکنیم.

در صفحات بعد

دو تاکتیک ضد انقلاب در انقلاب ایران

صفحات ۳ و ۶

۲ صفحه ویژه دهقانان گیلان

صفحات ۴ و ۵

چرا هنوز سندی پگاه و شوراهای غایب اند

مسائل کارگری - صفحه ۶

آقای قطب زاده! تظاهرات نیم میلیون پاکستانی علیه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق هم بنظر شما کار حزب توده ایران است

۱۲ صفحه

جمهوری اسلامی

بگشاید ۱۳ تیر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۴۱۶ - سال دوم - تک شماره ۲۰ ریال

● پلیس تظاهرات شیعیان را شدیداً کنترل می کند ● بسیاری از روحانیون مبارز اصل تسنن از تظاهرات پشتیبانی کردند

تظاهرات کنندگان بسیاری تسنن از به حکومت مسیلت دادند.

در صفحه ۳

در دومین روز اجتماع بر علیه حکومت ضیاء الحق نیم میلیون پاکستانی در تظاهرات شرکت کردند

کردن چند خیابان گوش نمود از گسترش تظاهرات و راه پیمایی در سطح شهر جلوگیری بعمل آورد. پلیس ساعتی بعد به تظاهر کنندگان که فریاد میزدند «مرگ بر آمریکا» حمله کرد. در نتیجه یک نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند.

بموازات این تظاهرات وکلای دادگستری که به رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق متحرش هستند اعلام اعتصاب نموده، این روز را «روز سیاه» نامیدند و به سفوف تظاهر کنندگان پیوستند. حقوق دانان پاکستان به احکام صادره از جانب ضیاء الحق در مورد محدود کردن حقوق و اختیارات محاکم غیر نظامی و تقویت و گسترش دادگاه های نظامی شدیداً متحرش می کنند.

محسن تقوی یکی از وهران تظاهر کنندگان گفت «این دیکتاتور

روز جمعه ۱۳ تیر ماه حدود ۲۰۰ هزار نفر مسلمان شیعه پاکستانی به نشانه اعتراض علیه رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق در خیابان های اسلام آباد دست به تظاهرات زدند و دوسراسر کشور تعداد تظاهر کنندگان به نیم میلیون نفر رسید.

این تظاهرات گسترده مردم پاکستان که به رغم قانون منع برگزاری اجتماعات صورت گرفت درست در سومین سال روزی آغاز شد که ضیاء الحق به دستور اردیابان امریکایی خود بایک کودتای نظامی دولت ناتوانی دولت انقار علی پوتو راسر تکون کرد.

تظاهر کنندگان فریاد می زدند ما حاضریم جان خود را فدایکیم تا سیاستهای دولت ضیاء الحق را تغییر دهیم.

پس از چند لحظه پلیس مسلح پاکستان وارد صحنه شد و با مسدود

این اعلامیه دیروز انتشار یافته است:

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

انقلاب ایران امروزه پیش از هر زمانی به هم آمیختگی و تفاق همه مردم نیازمند است. امام خمینی رهبر انقلاب، باز رو به مردم کرده اند و خواسته اند که در همه آحاد خانمان بر انداز رژیم گذشته دست در دست یکدیگر بگذارند. بدینسان، به پاسخ این پیام امام، مسأله پوشش زن، در مرحله نخست قرار گرفت و محیطی متشجع به این مناسبت بوجود آمده است. پارها و پارها گفته اند که عفت و شخصیت زن هرگز وابسته به چارقه و روسری نبوده و نیست. عفت و شخصیت زن، مربوط به تعلیم و تربیت صحیح او و وابسته به کار و عمل او در صحنه زندگی و اجتماع و خانواده است و زنان ایران، در طی دو سال اخیر ثابت کرده اند و نشان داده اند که با شخصیت و با گذشت و مبارز و آگاه هستند و توانسته اند به سهم خود انقلاب را به ثمر برسانند و در بقیه در صفحه ۲

حقوق ما را زیر پا گذاشته و تصمیم داریم حقوق خود را باز پس بگیریم حتی اگر لازم باشد از جان خود بگذریم. محمود اسماعیل یکی دیگر از وهران تظاهر کنندگان اظهار داشت هدف برگزاری این تظاهرات مخالفت با این رژیم «سوا و متزوی» است.

ماهیت رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق هم بالکی شاه متخلف بر تمام نیروهای مترقی جهان و از آنجمله نیروهای انقلابی ایران کاملاً روشن است. در جریان کار اجلاس های کنفرانس کشورهای اسلامی که طبق دستورهای کارتر رئیس جمهور آمریکا و به ابتکار رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه از قبیل رژیم ضیاء الحق در اسلام آباد برگزار گردید، کارنامه سیاه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق و وابستگی های این رژیم ضد خلقی به امپریالیسم آمریکا بطور گسترده ای در مطبوعات ایران بازتاب یافت و اکثریت سازمانهای سیاسی و نیروهای واقع بین کشور که سادفانه از انقلاب ایران در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکادفاع می کنند، ضمن اشیای ماهیت و اهداف واقعی کنفرانس های اسلامی در اسلام آباد، شرکت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این جلسات را بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

مردم ایران دیپلوماسی مخفی...

بقیه از صفحه ۱
سنتو از آنجا سرچشمه میگرفت که طبقات حاکم ایران و در رأس آنها شاهخان و امیرالیهای انگلیسی و آمریکایی میخواستند تضاد آشتی‌ناپذیر میان منافع امپریالیسم و منافع ملی ایران را بنام مبارزه بر ضد کمونیسم (در حقیقت مبارزه بر ضد اتحاد شوروی) روی کاغذ با هم آشتی دهند. البته بین سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ ایران که رژیم شاه سختکوی آنان بود و امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی که مبتکر و سازماندهنده پیمان سنتو بودند اشتراك منافع وجود داشت، اما البته آنها هیچوجه، نه با زور نه با تبلیغات دروغ نمی‌توانستند این منافع را بجای منافع ملی مردم ایران جا بزنند.

شاه، مخلوع در کتابی که بنام او چاپ شده زیر عنوان: «سایخ به تاریخ» می‌نویسد: «هنگامیکه پس از انعقاد پیمان سنتو در مسکو، با خروش فکری ملاقات کردم او من گفت که این پیمان چون حجاب صابون خواهد ترکیب و من پس از بیست و پنجسال پندرسی گفته او بر من برده»
اینکه در این ۲۵ سال بدلیل عضویت در این پیمان جنایتکار، چه بر سر خلق ایران آمد و وابستگی به عراده امپریالیسم در سیاست خارجی، دور و چو مصائبی برای مین ما شد، شاه را ناراحت نمیکند، او ناله میزند که چرا پیمان سنتو توانسته است تاج و تخت او را در برابر انقلاب ایران که آنرا «یک تهاجم غیر مستقیم کمونیستی» می‌نامد نجات دهد. زبانها بنگه عضویت در پیمان سنتو به پناه «مخسر کمونیسم» در تمام قلمروهای اقتصادی، نظامی و سیاسی بر ایران وارد کرده است، اکنون که انقلاب قتل از زبان زمین‌پرستان برداشته، بر هیچکس پوشیده نمانده است و ما نمیخواهیم در این بحث که باشما تا امروز دیگر از بدیهیات زندگی سیاسی ایران شده است وارد شویم. برای ما مسئله مهمتر آنست که چگونه پس از پیروزی انقلاب و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با یک تحلیل ذهنی گریزناک و بی‌اساس (ما امپدیویم چنین باشد نه چیز دیگر) میخواست با دیپلوماسی مخفی همان اشتباهات گذشته را تکرار کند.

«تحلیلی» که وزارت امور خارجه ایران (طبق اسناد موجود) از وضع ایران و منطقه می‌دهد چنین است: ایران از سوی دو ابرقدرت و همچنین عراق و افغانستان در معرض خطر است، چون عراق دو ابرقدرت آمریکا وابسته است و افغانستان به ابرقدرت شوروی متعلق است. ایران باید ابرقدرت دو ابرقدرت مستقل هستند نزدیک شود تا از افراد در منطقه بیرون آید، تنها دولت بزرگی که می‌تواند به ایران در برابر دو ابرقدرت قدرت کمک جدی بکند چین است. بنابراین، منافع ایران ابرام میکند که در سیاست خارجی خود با این سه کشور بر ضد دو ابرقدرت نزدیک شود. بدشواری باور کردنی است ولی اینست تحلیل وزارت امور خارجه ایران از وضع ایران و منطقه. این تحلیل سرپا می‌خورد و محبوب که بوسیله «صاحب‌منصبان» عالی‌رتبه وزارت امور خارجه، وزارتخانه‌ای

که بگفته آیت‌الله منتظری سکر «آدمهای عوضی» است، انجام گرفته دقیقاً در جهت حفظ منافع امپریالیسم و ضد انقلاب است، زیرا جز جابجا کردن چند کلمه مینا همان سیاست است که پایه پیمان سنتو بود. منتظری این بار آقای قطب‌زاده میخواند سنتو را بدون قرارداد رسمی و علنی، با مذاکرات و توافقهای پنهانی، احیا کنند و بجای آمریکا و انگلستان که دیگر در شرایط کنونی ایران نقاب از چهره کزیمشان افشاده است چین را بعنوان نم‌البدل بجای آنان نشانند. اگر چه هر دو کشور امپریالیستی غرب در این «احیاء» حضور فعال دارند از جمله بخاطر شرکت ترکیه در پیمان ناتو و وابستگی آشکار ضیاءالحق. اگر اجزای این تجزیه و تحلیل را بشکافیم می‌بینیم که طراحان سیاست خارجی ایران عالملاً مسامدا چشم را بسود امپریالیسم غرب پر واقعیت چنان امروز پسته‌اند.

نخست در مورد خطری که ایران را تهدید می‌کند، باید دانست که رژیم کنونی ایران چه نفع و چه ضرری برای دو ابرقدرت (سرفنظر از ماهیت اجتماعی و سیاسی هر یک از آنان) داشته است که بخواند برای بمست آوردن این نفع و جلوگیری از آن ضرر دست به تهدید ایران بزند. همه میدانند که اتحاد شوروی ایران یکی از سرسخت‌ترین دشمنان اتحاد شوروی و پایگاه امپریالیسم غرب - یعنی رژیم شاهنشاهی پهلوی را که مستقیماً و هم‌جانبه وابسته به ایالات متحده آمریکا بود از میان برداشته و در همناهیکی اتحاد شوروی ایرانی مستقل و نظامی ضدا امپریالیستی بوجود آورد. منافع اتحاد شوروی در پشتیبانی از این نظام انقلابی ضدا امپریالیستی است و همین دلیل نیز این کشور، دولت و مردم آن صمیمانه و با تمام نیروی خود از آن دفاع میکند. بر همه روشن است که اگر پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران نبود امپریالیست‌ها از کشتار میلیون‌ها ایرانی برای بازگرداندن رژیمی هوادار غرب روگردان بودند. ایرا عوایل ضدا انقلاب آشکارا تبلیغ میکنند که بهتر است دو سه میلیون نفر از طرفداران خمینی کشته شوند تا سی و چند میلیون نفر دیگر «آزاد» زندگی کنند امپریالیست‌ها و عوام‌پلشان اگر به پیروزی خود امیدوار بودند از این کشتار ابرائی نداشتند، چنانکه بارها (از جمله در شیله و اندونزی) نشان داده‌اند، اما میدانند که مردم ایران با نبرد متحد و بی‌گنبر خود و برخورد از این پشتیبانی نیرومند، می‌توانند هر ماجراجویی آنان را خنثی کنند.

ولی انقلاب ایران به امپریالیسم آمریکا از نظر سیاسی و نظامی و سوق‌الجیشی و دیپلماتیک ضربات هولناک وارد ساخته و از نظر اقتصادی هم با انحصارات آمریکایی میلیاردها دلار صدمه رسانده است و در تداوم خود باز هم نه تنها در مقیاس ایران بلکه در تمام منطقه صدمه خواهد زد. برعکس انقلاب ایران به اتحاد شوروی چه از نظر تضعیف امپریالیسم که دشمن مشترک تمام خلقها و کشورهای اتحاد شوروی است و چه از نظر روابط بین ایران و اتحاد شوروی نفع رسانده است. هیچ عاقلی برخلاف منافع خردین عمل نمیکند. حداقل عقل سلیم حکم میکند که اتحاد شوروی، برخلاف پیمان سنتو، نتواند

ایران را در معرض خطر قرار دهد.
نکته دومی که در باره «تحلیل» وزارت خارجه باید گفت اینست که پاکستان و ترکیه همیمان سابق ایران در پیمان سنتو از سیاست امپریالیسم آمریکا مستقل نیستند. هر دو این کشورها مانع آبریز شاهنشاهی یا هزاران پیوند سیاسی و نظامی و اقتصادی به امپریالیسم غرب وابسته‌اند. ترکیه عضو پیمان ناتو است و چنانکه در همین روزها، روزنامه‌های کشور ما نوشتند حتی موافقت کرده است به آمریکا تکیه برای مبارزه علیه انقلاب ایران پایگاه بدهد. وابستگی ترکیه و پاکستان به امپریالیسم غرب چه به دلیل نظامهای اجتماعی‌شان که عیناً مانند نظام شاهنشاهی مدافع سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ است و چه به علت بحران شدیدی که در اقتصادشان حکمفرماست و چه به علت دست‌نشانده‌گی گروههای حاکمه دست‌کسی از ایران شاهنشاهی ندارند.

تکیه به پاکستان و ترکیه، تکیه مستقیم به عسای شکسته خود امپریالیست‌هاست، بعلاوه آنان که تا گلو در گرداب تلاکت غرور و هتند عملاً چه کمکی بایران می‌توانند بکنند و اگر می‌توانستند چرا همیمان عزیز خود شاهنشاه را یارمیر را نگاه نداشتند.

ثالثاً، چین ابتدا و اساساً در برابر دو «ابر قدرت» قرار نگرفته و در تمام مسائل مهم بین‌المللی دوش بدوش امپریالیسم غرب بسرگردگی آمریکا بر ضد کشورهای سوسیالیستی مبارزه میکند.
بنابراین تحلیل وزارت امور خارجه ایران از ریشه مخدوش است و با واقعیت و وضع بین‌المللی تطابق ندارد. هر سیاستی که بر پایه این تحلیل نادرست اعمال شود بزیران کشور ما خواهد بود و به انقلاب ما که نیازمند روشن‌بینی و مقابله قاطع با دشمن واقعی است، ضربه میزند. اما در باره روابط خارجی با افغانستان، ایران می‌تواند و باید با افغانستان روابط دوستانه برقرار کند سرفنظر از اینکه حکومت آن چه باشد. اگر ما نظامهای داخلی کشورها را شرط روابط دوستانه با آنها قرار دهیم در اینصورت چگونه می‌توانیم طبق گفته امام با تمام کشورها هائی که به استقلال ما احترام میگذارند روابط عاری و دوستانه بر شالوده برابری حقوق، عدم مداخله و احترام متقابل داشته باشیم و تنها افغانستان را از این مقدمه کلی مستثنی کنیم. آیا نفس این عمل خود پیمان، معنا نیست که «آدمهای عوضی» وزارت امور خارجه ریگی به کفششان دارند و میخواهند ما را بساز امپریالیستهای غرب که هدف اصلی آنان ایجاد تشنج در این منطقه است برقصانند.
مسئله عراق نیز از این سیاست کلی امپریالیسم جدا نیست. آمریکا تکیه بر اینست که رژیم بعث عراق را به آلت دست خود بر ضد انقلاب ایران تبدیل کند. این، پیروزی سیاست آشکاره آمریکا از طریق نفوذ افکنی بین ایران و عراق می‌تواند از رشد جنبش انقلابی خلقهای منطقه بر ضد امپریالیسم غرب بسرگردگی آمریکا جلوگیری کند، رفق انقلاب ایران را بگیرند و در یک جنگ فرسایشی توام با محاصره اقتصادی ایران را فلع کنند و برای ادامه جنگ ایران را به زانو زدن در برابر غرب بمنظور دریافت سلاح و قطعات یدکی وادار سازند.

مسئله مهم تزکیه اخلاقی را...

بقیه از صفحه ۱
نتیجه دامن‌زدن به تمایلات انحرافی و احساسات افراطی از جانب عمال امپریالیسم آمریکا نبوده!
رهبر انقلاب در دیدار خود با نمایندگان آموزش و پرورش لزوم پاکسازی این محیط و بویژه تقدم تزکیه اخلاقی بر جنبه‌های دیگر تعلیم و تربیت را متذکر شدند. و اکنون می‌بینیم که باطلش کردن یکی از ابعاد این مسئله مهم و پر جنبه‌ای اجتماعی تلاش میشود تا با غائله‌سازی، ایجاد جو تشنج و درگیری لاف‌افش از حل صحیح مسئله و تحمیل نتیجه معقول جلوگیری شود. آیا تزکیه اخلاقی فقط به‌جامعه‌نویان ایران مربوط میشود. به‌تازگی که اکثریت مطلق خود نقش بسیار مؤثری در پیشبرد انقلاب شکوهمند ایران داشته‌اند؛ و آیا آن‌ها نیز تزکیه اخلاقی که بزبان مربوط میشود تنها به‌پوشش اسلامی محدود میگردد؟
کیست که نداند در دوران طاغوت دست‌نشانده امپریالیسم موازین اخلاقی جامعه‌ها به‌تپاهای فساد کشانده میشد. پوشش‌منافی با اخلاق عمومی و عفت همگانی یکی از مظاهر استعمارزدگی و فساد اجتماعی در جامعه زمان طاغوت شاهنشاهی بود، در عین حال کیست

در اینصورت نیز امپریالیستهای آمریکایی یکمک دست‌نشان (پاکستان، چین، عراق) منطقه را به آتش میکشند تا خلقها نتوانند جبهه واحدی علیه آنان تشکیل دهند. این سیاست در دنیای غرب نتایج بزرگی داده است و اینک با استفاده از سازمانهای جاسوسی و سوسیالیستی و سیا که در این زمینه تجربیات «گرا نیب» دارند آنرا در خاورمیانه پیاده میکنند. یکی از مهمترین اهداف سنتو ایجاد همین تفرقه بین کشورهای عرب و غیرعرب منطقه بود.
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که طبق قانون اساسی آن باید در جهت تجزیه تمام خلقهای جهان بر ضد امپریالیسم غارتگر باشد توسط گردانندگان وزارت امور خارجه از سمت اصلی خود منحرف شده و سمت مبارزه با «خطر کمونیسم» را که تنها نیک برده استار برای تیره سیاست‌هواداری از غرب است در پیش گرفته‌اند. تلاش برای احیای روح سنتو بعنوان مبارزه با خطر کمونیسم، سیاست آریامیری است که انقلاب خونین ایران با دادن دهها هزار شهید و صدها هزار زخمی و معلول آنرا بقبرستان تاریخ فرستاد.

آقای قطب‌زاده و همکارانشان در وزارت امور خارجه بپیرویه برای زنده کردن این مرده متعجب‌نیکوشند. مرده را نمیتوان زنده کرد.
بعقیده ما پاکسازی در وزارت امور خارجه، چنانکه آیت‌الله منتظری نیز اشاره کرده‌اند از اهم وظایف دولت در «مرحله کنونی» است. باید گروهی از صاحب‌نظران متعهد و مبارز که به اهداف اسیل انقلاب ایران و به اصول سیاست بین‌المللی و منطقه آشنا باشند در هیئت پاکسازی وزارت امور خارجه عضویت یابند، دسیسه‌گران را از روی پرونده‌های مهم و طرز عمل و سیاست آنها کشف کنند و یکبار برای همیشه به سیاست طاغوت در وزارت امور خارجه ایران پایان دهند.

وزارت امور خارجه ایران نباید جای کسانی باشد که میخواهند با اقداماتیکه مغایر با منافع حیاتی ایران است، موفقیت و مقام شخصی خود را که متزلزل است مستحکم نمایند و خود را قربان مبارزه با «کمونیسم» نشان دهند. سرفروشت کشوری را نمیتوان با زیجه دست افراد سبک‌وزن، جاهل‌پرست و خودخواه قرار داد. سیاست خارجی ایران باید در مجرای سیر کند که خلق ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده‌اند نه اینکه تابع «سوسپسی ذهن گرایانه» «آدمهای عوضی» و جاهل‌پلایان باشد. از این مبشر آنچه حادث می‌شود اینست که شیوه دیپلوماسی مخفی و قبول تعهد طبق قراردادهای و مذاکرات محرمانه با اصول انقلاب ایران و قانون اساسی آن مغایرت دارد. مردم باید بدانند که وزیر امور خارجه، کشورشان را دهمتای پاکسازی خودش چه سر و سری دارد. آیا پیمان سنتو یاد دیگری آنهم بکشت تیرتی از طریق دیپلوماسی مخفی بازم بعنوان مبارزه با خطر کمونیسم احیا میگردد؟

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان...

بقیه از صفحه ۱
این کار باها مورد ستایش امام خمینی قرار گرفته‌اند.
و اما در باره نظام‌های عدل‌خواه از زنان در روزشبه در تهران، نظر ما اینست که ارتجاع و امپریالیسم در صدد هستند که از هر چیزی برای اهداف پلید خود بهره‌بردار می‌نمایند. مسالین تظاهرات را بهیچوجه دست نمی‌انند و آنچه زنان دعوت می‌کنیم که با ماتنات و خوشنودی باین مساله برخورد کنند و با رفتار خرد نشان دهند که بالغ و رشید هستند و دستاویزی به دشمن‌کودک‌نشینان و اختلافات را دامن مینزند، ندهند.
محیط انقلابی، زندگی امروزی توده مردم، بهرانی که کشور ما با آن دست‌بیکریان است، نه آرایش و نه زیور بود نمی‌بینند و زن و مرد در پوشش و رفتار باید خود را با این محیط و این انقلاب هماهنگ سازند و کسی برای دیگری نمیتواند و نباید شکل لباس تعیین کند و این موضوعها به عقل سلیم زنان و مردان باید واگذار شود.
وظیفه زنان آگاه و مبارز ایران، امروزه، بسیار سنگین است و ما باید دیگر، باید ثابت کنیم دستهای ضدا انقلاب در میدان آبرو مسائلی که در جلوی ما است می‌شناسیم و در برابر هیچ تهدید و هیچ وعده‌های آرزاه خود، منحرف نخواهیم شد.
راه ما، راه تثبیت انقلاب است.
راه ما، راه پیروزی مردم ایران، چه زن و چه مرد است.
تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ۵۹/۴/۱۴

دیکتاتوریت که امپریالیسم آمریکا بوسیله مهر خود اویسی‌پاکستانی زئرال ضیاءالحق بر مردم پاکستان تحمیل کرده است، رژیم که از نزدیکترین باران رژیم شاه مخلوع در منطقه بود، رژیم که هم‌پیمان سنتوی ایران، بود و رژیم که اکنون پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و سرنگونی رژیم شاه مخلوع، داوطلبانه آماده است وظایف و مأموریتهای شاه مخلوع را در حفظ و حراست مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه متقبل شود
بهر بود که آقای قطب زاده برای توجیه سیاستهای خود و همکاری های نزدیک با رژیم ضیاءالحق که ابتدا با اهداف انقلاب بزرگ ماویا حیثیت جمهوری اسلامی ایران سازگار نیست کوشش بی‌جا بعمل نیارد زیرا این سیاست همکاری را با هیچ دلیل بظاهر قانع کننده‌ای نمیتوان موجه قلمداد کرد. هرکس با این صراحت و قاطعیت از رژیم ضیاءالحق دفاع کند و در مقام تیره این رژیم «وسوا و ستوری» برآید در یازود - ولی مسلماً - خودنویز و وسوا خواهد شد.
ولی آنچه در این میان خطرناک است لطمه عظیمی است که چنین سیاستی به جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی و در منطقه میزند - برای مردم مبارز پاکستان - مانند مردم آگاه مبارز ایران - قابل درک نیست که رئیس دیپلماسی یک کشور انقلابی و ضدا امپریالیستی مانند جمهوری اسلامی ایران دست در دست ضیاءالحق امریکایی دیکتاتور نهد. آقای وزیر خارجه هیچ ادعای «پیروزی بزرگ» و «مدارک طلئی» و «کار کاروان» «بهاست» نخواهد توانست پاسخ این نیم-میلیون پاکسانی را که فردا می‌پاینها خواهد شد بدهد.

آقای قطب‌زاده در مصاحبه با صداوسیما ایران که در آستانه مسافرت ایشان به ژنو انجام گرفت اظهار داشت «اتهاماتی که به پاکستان زده می‌شود دقیقاً از سوی کمونیستهای جهان است وعده‌های مسلمان نما که در حقیقت همان کمونیستها هستند که به لباس اسلام درآمده‌اند وعده‌های از افراد مسلمان که کمونیست نیستند ولی مرعوب کمونیستها هستند ... چرا پاکستان نوکر آمریکاست ؟ یک دلیل ناتج کننده تا کنون کسی برای اثبات این مسئله نداشته ... این اتهام که کلاچینی تبلیغاتی دارد بسیار ناجوانمردانه و بی‌شرفانه است...»
(این واژه غلط چاپی نیست - آقای وزیر خارجه کنونی از تبارکار برده است.)
در این مصاحبه خبرنگار از آقای قطب‌زاده شوال می‌کنند زئرال ضیاءالحق در حقیقت مهره آمریکاست تا این سوال برای مردم پیش می‌آید که چگونه ممکنه آقای ضیاءالحق و آقای حبیب‌شلی که سرنشان در دست آمریکاست بتوانند در راه خدمت به مستضعفین افغانستان قدم بردارند - و این حتی توطئه است و شما چگونه خودتان را در این جریان سهم می‌گیرید در حالیکه اینها کار خیرخواهانه و بفتح ملت افغانستان نخواهند کرد - آقای قطب‌زاده که برای اینکه شوالوات پاسخهای بسیار «قاطع و منطقی» دارند بلافاصله گفتند: «این حرفهای که شما می‌زنید همیشه حرفهای حزب توده است و حرفهای توده‌ایها.»
آقای صادق قطب‌زاده! به‌ظواهر تمام پانصد هزار نفری مردم پاکستان طبعه رژیم دست‌نشانده، ضد خلقی و دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق چه پاسخی میدهد ؟ آیا این تظاهرات هم به تحریک کمونیستها و نتیجه کار تبلیغاتی حزب توده ایران است ؟ و این مبارزان پاکستانی هم بی‌شرف هستند ؟
این تظاهرات مردم پاکستان بازتاب واقعبینت محیط خفقان و

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

۲ تاکتیک ضد انقلاب در انقلاب ایران

«پس از اینکه انقلاب بر ضد انقلاب فائق آمد، ضد انقلاب معدوم نمی‌شود بلکه برعکس بطور ناگهانی با دیوانه‌سری بیشتری مبارزه جدیدی را آغاز مینماید.»

نین

پیش از پانزده ماه از پیروزی قیام یوم‌یکم - گذرد. در یک تکرار کلی به‌ناریشده شانزده ماهه انقلاب شکوهمند ایران، آنچه که بیشتر از همه جلب نظر میکند تعدد حوادث و وقایعی است که هر از چندی، همچون مانی بزرگ بر سر راه تکامل خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب سر بلند کرده‌اند. از این نظر، انقلاب ایران در میان انقلاب‌های معاصر دنیا و ضد امپریالیستی معاصر نمونه‌وار است. چنگ برادر کشی‌سندج ضد انقلاب دوبرو بوده است. چنگ برادر کشی‌سندج در بهار آزادی، تروهای گروهک فرقان، نفوذهای مکرر عناصر ضدانقلاب در دستگاه دولتی و نظامی، چنگ برادر کشی در کردستان و ترکمن صحراء و وقایع خوزستان، وقایع بندر انزلی، حملات پیشکار و روزمره‌چاق‌آوران به نیروهای انقلابی، بمباران‌های عوام‌امپریالیسم، گرافروشی و احتکار و خرابکاری در تولید بوسیله سرمایه‌داران بزرگ، توطئه‌های زمینداران بزرگ در روستاهای سراسر کشور و از جمله غلته فارس و در فتنه‌های اخیر محاسنره اقتصادی کشور ما و سرانجام حمله نظامی امپریالیسم که هر لحظه بیم تکرار آن می‌رود...

انقلاب شکوهمند ایران در اندک زمانی این ماسخ عظیم اهریمنی ظلم و فساد از هم پاشید. بزرگترین قدرت امپریالیستی تاریخ در برابر عظمت و استحکام این انقلاب از یکی از مهمترین پایگاههای خویش عقب نشست و در کمین هجوم دوباره برای بدست آوردن مواضع از دست رفته به‌روزشماری و توطئه‌چینی پرداخت. شک نیست که رمز این قدرتمندی و این پیروزی شکست آفرین اتحاد همه نیروهای انقلابی ایران زیر چتر رهبری فاطم زهرا سیدمهدی بود.

امپریالیسم جهانی به‌سرگردگی امپریالیسم آمریکا و عمال و متحدان داخلی آن، آنان که سنگین‌ترین شریکها را از انقلاب ایران خورده‌اند، چه بسا بسیار به‌سر از برخی نیروهای ناگام انقلابی، رمز قدرتمندی این انقلاب را می‌شناسند. آنان نیک میدانستند و نیک میدانند که انقلاب ایران تنها به انکلی «چپه متحد خلق» می‌تواند به پیروزی قطعی و نهایی برسد. از اینرو از همان آغاز به مجرد بازسازی شبکه‌های رتکارکنندگی نیروهای خویش، دقیقاً ستون تکیه‌دارنده انقلاب ایران، اتحاد نیروهای مردمی را زیر ضرب گرفتند. آمادگی ضدانقلاب - امپریالیسم و مزدورانش، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ - برای نشان دادن واکنش در برابر پیروزی انقلاب، از شاخت و تجربه طوفانی آنان از مقابله یا جنبش‌های انقلابی مایه میگرد. «تفرقه‌بیننداز و حکومت کن!» این سیاست عمده‌ی اینان در هر امپریالیسم دارد.

در گذار چنین بنظر می‌آید که همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی ایران این بدیهیات و آمیختن‌ها، اما هنگامی که پای کردار بیان می‌آید، بخش عظیمی از این نیروها، از سرخامی و بی‌تجربگی، چشم بر این همه فرو می‌بندند و تنها منافع فرتهای و گروهی خود را می‌بینند و چه بسا به‌سولت حاضرند که به‌خطا حفظ این منافع، هر زمان سگر کناری خود را سربرند. امپریالیسم جز این چه می‌خواهد؟ از اینرو جای آنست که باز هم تکرار کنیم، باز هم فریاد بزنیم:

تفرقه افکنی سیاست امپریالیسم است

تفرقه افکنی دشواری اصلی همه سیاست‌ها و روش‌های ضد انقلاب است. هرگونه کنگ بفرکنند نیروهای مدافع انقلاب ایران، تنها بسود سیاست امپریالیسم تمام میشود. اگر امپریالیسم مین ما را محاصره اقتصادی کرده است، هدفش فروپاشیدن چپه انقلاب از دور است. اگر سرمایه‌داران بزرگ به ستوه می‌آورند هدفشان روگرداندن ایس - کمی دستمزد به ستوه می‌آورند هدفشان روگرداندن ایس - گردان پیشاهنگ از انقلاب است. اگر زمینداران بزرگ و سختکویان خردو کلان‌شان با اصلاحات ارضی در حرف و در عمل مخالفت می‌ورزند، خواهان نامید شدن دهقانان از انقلاب هستند. اگر ضد انقلاب هر روز در گوشه‌های از کشور آش می‌افروزد، هدفش سرگرم کردن دولت به‌این یا آن مساله فرمی و کم‌اهمیت، فطنت حکومت از انجام اصلاحات بنیادی اجتماعی و ناراضی کردن و بی‌تفاوت کردن توده‌ها و پراکندن آنان از گرداگرد انقلاب است. هرآنکس که آگاهانه یا ناآگاهانه به اتحاد اصولی نیروهای انقلابی ایران از مرام و مسلکی زبان برساند، به‌این یا آن شکل به‌سیاست تفرقه‌افکنی امپریالیسم یاری رسانده‌است.

از انحصارطلبی و گروه‌رانی تنگ نظرانه، این بازترین مظاهر عقیمانه‌ی و جاهلیت دست بردارید. به‌منافع انقلاب که همانا منافع همه نیروهای امپریالیست، اسلام‌افشان انقلابی و بیرون رانستن سوسیالیسم فلسفی است پایبند نباشید. به‌اطراف‌شان نگاه کنید، هر روز نمونه‌های غیر قابل انکار از کارگرهای مزدوران امپریالیسم آشا میشود. ببینید که همه این مزدوران در هر جگه‌ها هستند و زیر پریشی - چپ یا راست - چگونه هدف امپریالیسم بجان هم انداختن نیروهای انقلابی است. وینگرید که متأسفانه چگونه کارکرد بخشی از نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب ما، هر روز بیشتر از پیش با کارگرهای ایران محسو میشود!

یکبار دیگر اشکال عمده فعالیت ضد انقلاب را مرور کنیم. برای افشای دیربایوران این کار و میتوان طی بررسی نمونه‌های مشخص و افشا شده عملکردهای عمال شاخسته شده امپریالیسم انجام داد.

تفرقه افکنی از راست

در نخستین هفته‌ها و ماه‌های پس از پیروزی قیام یوم‌یکم، ضد انقلاب حداکثر تلاش را برای اشغال مقامات حساس دولتی و ارضی بوسیله هم‌مره‌های ناشناخته خود بکار انداخت. بر حسب اتفاق دو همان روزها، طی افشای تصادفی یکی از این نفوذهای ضد انقلابی، همکاری ایران از پرده بیرون افتاد. متأسفانه این حادثه چنانکه باید مورد توجه نیروهای انقلابی قرار گرفت و خیلی زود از خاطرها محو شد. سخن بر سر قضیه سرهنگ توکلی است.

شاهزاده مامی را که از پیروزی قیام یوم‌یکم می‌گذرد می‌توان به‌دو دوره متمایز تقسیم کرد.

۱ - دوره نخست لیبرالها سهم مهمی از قدرت را در اختیار داشتند. از استراتژی آنان پیمانح امپریالیسم هماهنگی داشت. به‌علاوه سازشکاری آنان بیشترین امکانات را برای نفوذ عناصر ضد انقلاب در راس مقامات حساس مملکت تأمین میکرد. در این دوره بیشترین تلاش امپریالیسم صرف تقویت لیبرالها و عناصر ضد انقلابی که آنان در دامان خود پرورش میدادند، و نیز صرف تضعیف جناح خلقی حاکمیت به رهبری امام‌خویشی میشد. نقشه امپریالیسم این بود که انقلاب را از بالا تسخیر کند و آن را در چارچوب منافع خویش و منافع سرمایه‌داری بزرگ ایران به بند بکشد. در این دوره سیاست تفرقه افکنی از راست مستقیماً به هدف تسخیر انقلاب از بالا خدمت میکرد.

۲ - دوره دوم، سازشکاری لیبرالها در برابر قاطعیت ضد امپریالیستی امام خویی تاب تحمل نیارود. اشغال لانه جاسوسی سرآغاز انقلاب دوم ایران شد. سهم لیبرالها در قدرت حکومتی کاهش فراوان یافت جاسوسان و دستپاچه‌های امپریالیسم در این دوره وسیع رسوا شدند. امید امپریالیسم به تسخیر انقلاب از بالا نقش بر آب شد. متأسفانه که گوشه‌های دوستان امپریالیسم برای «حل مسالمت‌آمیز مساله گروگان‌ها» به‌جای تزیید، امپریالیسم دست بکار حملات مستقیم براندازی انقلاب شد. غلته‌های ضد انقلابی در گوشه و کنار کشور اوج گرفت. توطئه‌های خلق مسلمان در آذربایجان، آسوه‌های بلوچستان، آشوب در قلب اقتصاد کشور در خوزستان، افزایش نقش ضدانقلاب دوجنگ برادر کشی دوگردستان تا بحدی که در این اواخر ضد انقلاب عملاً هژمونی چنگ برادر کشی را در دست گرفت، آشوب دانشگاهها، غلته فارس. این توطئه‌ها می‌بایست با تضعیف حکومت خلقی زمینه را برای براندازی آن و بوسیله مداخله مستقیم - تجاوز نظامی - یا مداخله غیر مستقیم - کردنای ضد انقلابی که هر روز شواهد بیشتری از دست در ستور روز قرار گرفتن آن بدست می‌آید - یا با ترکیبی از این دو آماده کنند. در این دوره سیاست تفرقه افکنی از راست مستقیماً در خدمت به آشوب کشاندن کشور برای براندازی حکومت خلقی قرار گرفت.

متأسفانه نه در دوره نخست و نه در دوره دوم، آن بخش از نیروهای ضد امپریالیست که حاکمیت را در دست دارند و سیاست تفرقه افکنی از راست می‌بایست با سوء استفاده از بی‌تجربگی و کوتاهی بینی آنان اجراء شود، هرگز چنانکه باید به‌این توطئه امپریالیستی توجه نکردند. شک نیست که منافع سیاسی و طبقاتی بخشی از نیروهای که هنوز در چپه انقلاب قرار دارند و خصمت عمده‌شان طرفداری از راه رشد سرمایه‌داری و ثبات به همکاری با امپریالیسم است، ایجاد می‌کند که به اجراء سیاست تفرقه افکنی از راست یاری برسانند. دوی ما با ایشان نیست. این نیروها باید افشا و منفرد شوند. روی سخن ما با کسانیست که با کمک به‌اجرای این سیاست حتی به منافع سیاسی و طبقاتی خویش که همانا منافع انقلاب و اسلام انقلابیست پشت پا می‌زنند. سخن بر سر اینست که حتی این نیروها که عمیقاً ضد امپریالیست هستند هنوز در نیافته‌اند که این کارگران امپریالیسم هستند که آنان را با تمام قوا بسوی روطه بر خورد خشونت آمیز با نیروهای انقلابی و چپ امیل هل میدهند. این امپریالیسم

است که از آنان انحصارطلبی و تشریحی را می‌طلبد. این امپریالیسم است که در آرزوی آنست که آنان تمامی بلند - گوهای تبلیغاتی را که باید در خدمت بسپج همه نیروها علیه امپریالیسم باشند، به‌کار بی‌اعتبار کردن و منفرد کردن چپ راستین و دیگر نیروهای انقلابی خارج از حکومت بگیرند. علاوه بر مهارت کارگران امپریالیسم در پیاده کردن نقشه‌های بفرنج و پیچیده، به‌خطا خامی و کوتاهی‌های این نیروها - کنار خامی و ناآگاهی بخشهایی از نیروهای انقلابی خارج از حکومت - است که امپریالیسم هم در دوره نخست و هم در دوره دوم موفقیت زیادی در اجراء سیاست تفرقه افکنی از راست داشته است - خوشبختانه قاطعیت ضد امپریالیستی و واقع‌بینی انقلابی رهبری انقلاب، امام خویی، دوحسن‌ترین لظحات این دو دوره، همواره اجراء کامل نقشه‌های امپریالیسم را ناممکن ساخته است. اثر این عامل نبود چپ‌ها که فاجعه تا بحال اتفاق افتاده بود.

تفرقه افکنی از چپ

تاکتیک تفرقه افکنی از راست، فقط هنگامی به‌دخواد امپریالیسم قابل اجراء است که در این‌سوی جبهه انقلاب، در میان نیروهای انقلابی خارج از حکومت و در میان چپ‌ها، انقلابی‌نمایان و چپ‌نمایان باشند که بنام انقلاب و سوسیالیسم بر علیه منافع انقلاب و سوسیالیسم عمل کنند. کسانی باشند که بنام منافع نیروهای چپ در کار انقلاب خرابکاری کنند، برای تفرقه افکنی از راست دستاویز بیافرینند و در بدترین حالات، به براندازی انقلاب برخیزند. در پاسخ به این نیاز است که کارگران امپریالیسم به اشکال مختلف به سازماندهی، هدایت و تألیف ضمنی جریانهای میردازند که محتوای اصلی سیاستشان، تفرقه افکنی از چپ، در چپه انقلاب است.

امپریالیسم، امروز در سطح جهانی از همکاری نیروهای برخوردار است که در جامه مارکسیسم و بنام سوسیالیسم، انطام این وظیفه ضد انقلابی را عهد کرده‌است. این تئوری متشکل، مائولیسم است که در چپ‌ها و قالب‌های مختلف بصورت مخالفین سرخست یا دستپاچه‌های امپریالیسم در بی از هم پاشیدن جبهه انقلاب جهانیست. امپریالیسم آمریکا، امروز در حالیکه متحد اصلی دولت ضد انقلابی چین است، با تألیف ضمنی گروه‌های چپ‌نمای مائولیستی در کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای استعمارزده، با نفوذ در رهبری گروه‌ها و حتی مستقیماً با ایجاد برخی از آنها، از کمک‌های خواسته و ناخواسته آنان در پیشبرد سیاست ضد انقلابی خویش استفاده میکند. نمونه‌های افشاده فراوانی از دخالت مستقیم و حمایت غیرمستقیم سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در سازماندهی گروه‌های مائولیستی در سطح جهانی در دست است.

مائولیست‌ها در انقلاب ایران نیز از همان آغاز، به اجراء رسالت اهریمنی خویش پرداختند، حزب توده ایران، با راه‌این حقیقت را اعلام کرده‌است و همواره بر آن اصرار داشته‌است که ملبرغم این واقعیت که برخی از فریب‌خورده‌گان گروه‌های مائولیستی مناسرا پاک و با حسن‌نیتی هستند، مائولیسم در هر قالب و هر چه‌رأی مایعیتا جزوینای ضد انقلابی است که خواه ناخواه آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. چپ‌گرایان همواره به‌این اعتقاد حزب توده ایران یا ناپاوری نگریسته‌اند و خواستار ارائه مدارک ثبت اسنادی بوده‌اند، گروگانیکه برخورداری از حداقل توشه ثوری انقلابی برای زمین‌مهاجرت ضد انقلابی مائولیسم کالیسته اما بکمان ما جریان حوادث برای کسانی که از این حداقل بیشین علمی بهره‌مند نیستند هم، هر روز شواهد تازه‌ای در اثبات هستستی و همدانستی مائولیسم ایران با محافل امپریالیستی بدست میدهند. به‌یک‌مورد نمونه‌وار این شواهد اشاره میکنیم.

حزب شفق سرخ» را هم‌دست اندرکاران جنبش چپ ایران بیادارند. همه نیروهای اصیل انقلابی میدانستند و بدو تق خویش اعلام کرده بودند که این گروه، جزوینای ساواک ساخته و سیا پرداخته است که با هدف پیشبرد مقاصد امپریالیسم ایجاد شده است. متأسفانه نشريات این گروه فعلاً در دسترس مانیست و ما فعلاً نمیتوانیم ضوابط «انقلابی» سازمان سیارا، مبارت و مهاجرت، باورمانهای گروه‌های مائولیستی ایران مقایسه کنیم، اما گمان نمی‌شود که آنان که حافظه‌های معمولی دارند قراموش کرده باشند:

۱ - این گروه تحت عنوان مارکسیسم - لنینیسم مروج اندیشه‌های صدمانوی بود.

تعداد این حوادث اتفاقی نیست. فعالیت روزافزون ضد انقلاب از یکسو و بیاتر برخی ضمه‌های بسیار خطرناک انقلاب ایران است و ازسوی دیگر تشدید کننده این تضاد ضعف. دامنه فعالیت ضد انقلاب در انقلاب ایران، بسیار وسیعتر از دیوانه‌سری‌های معمول ضد انقلاب در بسیاری از موارد مشابه است. این پدیده بی‌شک باید بدلیل داشته باشد و این دلیل چیزی نیست جز ضعف، بی‌تجربگی، ناآگاهی و ناپیکیری طیف نیروهای انقلابی ایران در شناخت و براندازی زمینه‌های حیثی‌ای که ضد انقلاب از آنها تغذیه میکند و اشتباهات سیاسی‌ای که به‌رشد ضد انقلاب یاری میرساند.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، از حزب که حفظ، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران را وظیفه مبرم خویش می‌داند، به‌پیروی از شی ضد انقلابی پیکر خویش همواره خواستار قاطع‌ترین و پیکرانه‌ترین سرکوب ضد انقلاب بوده است. هرآنچه برسر انقلاب برود، تاریخ جدید و پیشکار حزب توده ایران را در شناخت صحیح چهره‌های گوناگون ضد انقلاب و شناساندن آن‌ها به‌دیگر نیروهای انقلابی از یاد نخواهد برد. و برآیند یاد خواهد داشت که دم توجه کافی بخش وسیم از انقلابیون ایران، از جمله آنان که قدرت اجرایی دارند، به‌هشدارهای مکرر حزب توده ایران، چه زیانهای جبران‌ناپذیری به انقلاب رسانده است.

امروز دیگر این سخن شناخته شده‌است که ضد انقلاب دو چهره «چپ» و راست دارد و پگونه‌ها هماهنگ از دوسو پیکر دردمند انقلاب را زیر ضرب گرفته است. روزگاری بود که انقلابیون چپ‌گرا وجود ضد انقلاب «چپ‌نما» را باسود نداشتند یا به‌رسموت به خطر فعالیت خرابکارانه آن‌ها پای نبودند و نیز نیروهای صادق و ضد امپریالیست مسلمان، به‌خطر عظیم فعالیت راست‌گرایان افراطی که در جامعه مسلمان متعصب، ظاهراً با هدف دفاع از خلوص اسلام، و از جمله تحت عنوان «حزب‌الله» در دون و بیرون حیات حاکمه برحق انحراف راستی انقلاب عمل فشار میکنند، اهمیتی قابل نبودند. امروز این هر دو جناح انقلابیون ایران، تحت تأثیر افشاکریهای نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها حزب توده ایران تا حدودی براین واقعیت واقف شده‌اند و در میان آنان تحولات مثبتی، در جهت موضعگیری صحیح در مقابل این فعالیتها، به چشم می‌خورد. اما این تحولات هنوز چنانکه باید عمیق نیافته‌اند و پیکرانه دنبال نمی‌شوند. بسیاری از چپ‌گرایان هنوز با فعالیت خرابکارانه گروه‌های چپ‌نما با گذشت و ملاطفت بیجا، برخورد میکنند و عمده کثیری از مسلمانان انقلابی به‌اقدامات ضد انقلابی راست‌گرایان افراطی با مسالمت می‌نگرند و چه‌اشتباه بزرگ و دیرانگیزی که، از سر تنگ‌نظری، در این فعالیتها منافی برای خویش جستجو میکنند.

حزب توده ایران نخستین و تنها نیروی بوده است که از ابتدای استقرار نظام نوین انقلابی، مسیح‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها را از چهره‌ها و تاکتیک‌های چپ و راست ضد انقلاب ایران ارائه کرده است و طی هر حادثه آفرینی جدید، به‌درستی ردپای ضد انقلاب چپ و راست را افشا کرده است. جریان واقعات، هر روز بیشتر از دیروز، مستقیم تعلق نظرها و مهنودنه‌های حزب طبقه کارگر ایران را در این باره نیز تأکید کرده است. در شرایط فعلی که از یکسو فعالیت ضد انقلاب در حساسترین لحظات برخورد دیوبایوری امپریالیسم جهانی ایجاد گسترده‌تری بخود گرفته است و از سوی دیگر شناخت نیروهای انقلابی از ریشه‌ها و جوانب مختلف این فعالیت‌ها هنوز ناکافی و نادرست است، بی‌جایست که از خطوط اصلی تحلیلها و پیش‌بینی‌های حزب توده ایران، نیز وقایع و حوادثی که در تألیف سحت این نظرات در این شانزده ماهه برانقلاب گذشته است، جمع‌بندی‌نویسی بعمل بیادوریم. باشد تا این جمع‌بندی هشدار تازه‌ای باشد به همه نیروهای انقلابی که برای انقلاب ایران، برای اسلام انقلابی، برای جامعه توحیدی و برای سوسیالیسم دل می‌سوزاند تا با کنار نهادن تنگ‌نظریهای انحصارطلبانه و گروه‌گرائی‌ها و آرمان‌خواهی‌های تنگ نظرانه و با اتخاذ تدابیر جدی و قاطع، خون‌گسترده‌ای را که پیش‌روی ضد انقلاب گسترده‌اند، برچینند و پیش از این به‌دشمنان انقلاب ایران اجازه سوء - استفاده ندهند.

ضد انقلاب تفرقه افکن است

دریم ضد مردمی شاه، در داخل کشور به یکی از قدرتمندترین و خونخوارترین دستگاه‌های سرکوب فاشیستی در تاریخ جنبش‌های آزادیبخش جهان و در صحنه جهانی به پشتیبانی بزرگترین قدرت امپریالیستی تاریخ مکن بود.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

پتیه درصحنه ۶

مسائل روستاهای

بخرند تا از خراب شدن محصول جلوگیری کنند. باید اضافه کرد که به خوبی چلو از تحویل دریافت شده بود. سعی که برای مبارزه با آ و یا تلف مرز به کشاورزان میدهند متأسفانه بدون منظمه کافی روی زمین نوع محصول است که گاهی اوقات باعث خرابی برنج کشاورزان می‌شود. مقدار واهی که به کشاورزان این منطقه داده‌اند بسیار ناچیز است به هر کشاورزی بر حسب مقدار زمینش وام میدهند که به هر چرب زمین تومان وام تعلق می‌گیرد. درحالی‌که این مقدار پول نمی‌تواند کوچکترین آنها را برآورد کند زیرا خرج کشت یک چریب زمین (برای برآورد بیشتر است. کشاورزان ناچارند بقیه پول را به هزار زحمت قرض کنند یا از بگیرند. متأسفانه این وام به خوشنشینها تعلق نمی‌گیرد. خوشنشینان صحبت‌هایش با ما میگفت: مگر ما بنده خدا نیستیم. ما چگونه باید از خرج فرزندانمان دریابیم. بیرون هم که کار پیدا نمی‌شود پس ما باید چه کار آبیاباد از گرسنگی بگرییم ۱ مگر امام نمی‌گوید به وضع مستضعفان رسیدن کنند چرا به وضع ما بدبخشا رسیدگی نمی‌کنند. در حالی‌که بسیار کم این‌جا هستند که زمین‌های برنج‌خود دارند. چرا نمی‌آیند بطور عادلانه کشتند. هر بار عده‌ای از مسئولان می‌آیند اسم ما خوشنشینها می‌نویسند و عده می‌دهند. اما نزدیک به یکسال و نیم از انقلاب گذشته و ما از کوچک حق زندگی، مثل کاربرخوردار نیستیم درحالی‌که من ۵ فرزند دارم از آن‌ها من هفت نفر هستیم. شصت‌هفت نفر کجای بروم، چه کنم، که به هر چه می‌روم دست‌خالی برمی‌گردم. شماره بخداقتی بحال ما بچهاره‌ها بکنید روستائیان این منطقه در موقع فروش محصول برنج خود با ما بسیار روبرو می‌شوند زیرا محصول آنها را دولت نمی‌خرد و آنها باید خود را برای فروش به رشت حمل کنند. درحالی‌که این امر هزینه سنگین کشاورزان بیار می‌آورد. گرایه‌هاستین، گرایه‌هاستین، گرایه‌هاستین بر ترازو، هزینه برای خود شخص و مقداری که سربازو به بهانه‌های کم میشود. در مجموع یک‌سوم از مقدار کل برنج کاسته شود و ضرر زیاد نصیب کشاورزان می‌شود.

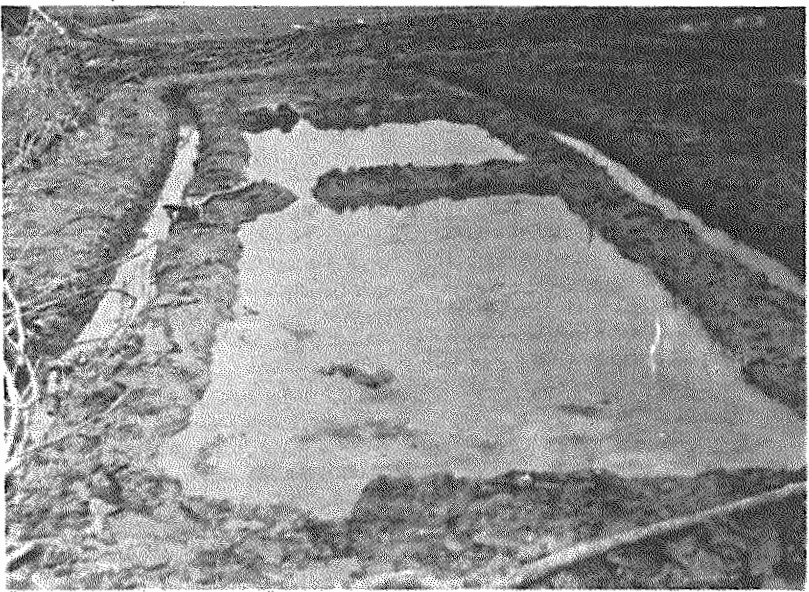
این منطقه سالها پیش بسیار مساعد برای پرورش گرم آبزیی امامت‌سازانه بسیاری‌ای که به گرم آبزیی سرایت کرده‌اند توجه به بقا

در روستاهای اطراف کوچصفهان گیلان نموداری از عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاهای استان گیلان را میتوان دید. مسائل متعدد و نقصان‌هایی که در این روستا زندگی زحمتکش و اهالی روستائی را تحت‌الشعاع قرار داده است، همگی نشانگر سیاست ضد دهقانی رژیم شاه مغلوع و نیز تسلط امپریالیسم برشیران‌های اجتماعی و اقتصادی کشور است. مبارزات دهقانان این روستاها که گویای حقیقی آنهاست، در حول محور مالکیت و نیز سایر مسائل رفاهی دور می‌زند.

تشر دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین فقیرترین و محرومترین اقشار دهقانی این ناحیه هستند. این دهقانان در اسارت بندهای ظافری گذشته گمانان به کار و تولید ادامه میدهند و مصرانه خواهان زندگی بهتر و شرایطی عادلانه و مناسب برای ادامه زندگی خود هستند. در روستاهای نوبده، هشتکوار، گودوسرا، گیاسرا، نسرودکول، باز قلعه، گیلان و ندان، سده و میسانده مجموعاً ۲۸۰ نفر خوشنشین زندگی می‌کنند. شرایط تولید و زندگی این دهقانان بسیار مشکل و دور از شان انسانی است. آنچه در ذیل می‌خوانید، گوشه‌ای از زندگی دهقانان کوچصفهان است که بعلت تشابه مسائل دهقانی دور روستاهای این ناحیه، به‌ذکر مسائل روستای نوبده بعنوان نمونه‌ای منتخب می‌پردازیم:

فاصله نوبده تا کوچصفهان ۴ کیلومتر و تا رشت ۷ کیلومتر است. چاده خلکی به طول ۲ کیلومتر روستای نوبده را به چاده اصلی رشت - کوچصفهان مرتبط می‌سازد. مسئولان امر چندین بار تصمیم به شن‌ریزی این چاده‌خلکی گرفته‌اند. متأسفانه به جای شن‌ریزی، سنگهای قلوه‌ای درشت‌تر کف این چاده ریخته‌اند که امر حمل‌ونقل را مشکل‌تر کرده‌است. در این روستا ۱۴۰ خانوار زندگی می‌کنند که ۴۴ نفر آن خوشنشین (کشاورز بی‌زمین) هستند. شغل اصلی مردم کشت برنج است.

گود شیمیائی که اسامال به کشاورزان این منطقه دادند بسیار دبر و بی‌موقع و مقدار آن کم بود بطوری‌که حتی به بعضی از کشاورزان هم نرسید. از طرف دیگر قیمت آن را کیلویی ۲ ریال افزایش داده بودند. گود باید موقع نشا برنج مورد استفاده قرار گیرد و در غیر این صورت نشای برنج را ضعیف می‌کند. متأسفانه کشت اکثر این نواحی دچار خرابی و ضعف شد. کشاورزانی که گود به آنها نرسیده بود، ناچار شده‌اند که در بازار آزاد گودا کیلویی ۲۰ ریال



خزانه برنج حجت‌الله کاظمی دهقان گیلک که ایادی مالک و ژاندارم آنرا زیر لگدهای خود خراب کرده و حاصل ماهها زحمت او را بر باد داده‌اند

فئودال، مزرعه دهقان را از بین برد و ژاندارم‌ها هم یاریش دادند!

حجت کاظمی به‌دادگاه مراجعه و دادگاه برای فئودال خراب ۸۰۰۰ تومان قرار صادر کرد. حجت کاظمی به ژاندارم‌ها مالک این شکایت کرد. ژاندارم‌ها نشانی این دهقان را مورد حمایت خود قرار دادند، بلکه معاون ژاندارم‌ها باقیمانده مزرعه حجت کاظمی را ظاهراً به حکم دادگاه از بین برد.

به این نوع حوادث که بارها و بارها در کشور ما روی داده و حاکی از وجود طرز تفکر و عمل طاغوتی در دستگاه‌های دولتی و ژاندارم‌هاست باید خاتمه داد. فئودال‌ها یکمک عناصر ضد دهقان در جبهه‌ای در خلاف راستای انقلاب متحداً گام بر میدارند. باید دست اربابان تبهکار را کوتاه کرد. با پاکسازی ژاندارم‌ها از عوامل ضد انقلاب باید این دستگاه را در جهت انقلاب قرار داد. باید همه چیز در دست سربازان اصلاحات ارضی واقعی دست ضد انقلاب را از جان و مال دهقانان زحمتکش کوتاه کرد.

یکی از فئودال‌های معروف قریه پاشکم شاندرمن خزانة برنج يك دهقان را مورد هجوم قرار داد و از بین برد. ژاندارم‌ها مسائل از فئودال حمایت كرد و معاون ژاندارم‌ها ظاهراً به این بهانه که از طرف دادگاه انقلاب دست‌خط دارد بقیه مزرعه را که سالم مانده بود از بین برد.

حجت کاظمی یکی از دهقانان قریه پاشکم است. هشت سال پیش که به سرپازی رفت این فئودال زمین او را تصرف کرد. حجت که از سرپازی برگشت، مدتی دوندگی کرد که زمینش را پس بگیرد ولی با کارشکنی‌های عوامل رژیم طاغوت روبرو شد. بعد از انقلاب به سپاه پاسداران شکایت کرد و با حمایت پاسداران معهد قطعه زمین خود را شخم زد و تخم پاشید. هنوز مزرعه‌اش را نشا نکرده بود که يك شب فئودال ده مزرعه او را مورد هجوم قرار داد. بعد از این حادثه زن این دهقان برای بازسازی مزرعه اقدام کرد. ولی مالک با پیشروی او را باهیل مورد حمله قرار داد و پشت مجروح کرد.



خانه حجت کاظمی دهقانی که شرح حالش را میخوانید با انجام خواستهای روستائیان، آن‌ها را به انقلاب خوشبین تر کنید

چندی پیش اهالی روستای پیربازار از توابع رشت در روستاهای اطراف آن (پل تخته‌ای و فنج) بعلت انجام نشدن اسفالت چاده ۶ کیلومتری پیربازار - رشت که توسط اساتندار دولت انقلاب به آنان وعده داده شده بود، با کندن عرض چاده و انداختن درخت در نقاط مختلف اقدام به بستن چاده کردند. اهالی روستا برای اسفالت ۵ کیلومتر راه (یک کیلومتر از راه قبل اسفالت بوده) بارها مسئولین استانی و اداری گیلان سرگردانده‌اند و در نتیجه آن‌ها از روی خشم‌پرستی قطع چاده شده‌اند. مردم پیربازار که او آخر فروردین ماه جاری در راه رفته‌اند، خود اعتراف دارند که در لحظات حساسی که ملت ما درگیر مبارزه قلمی با امپریالیسم آمریکاست نباید به اقداماتی دست زد که محیط را متشنج کند ولی مسئولین با بی‌تفاوتی به خواستهای آنان، آن‌ها را وادار به چنین

بر خوردی می‌کنند. در حال حاضر اهالی از چاده چوگام که با فاصله ۳۰ کیلومتر آنان را به شهر متصل می‌کند استفاده نمی‌کنند. آنها تهدید شده‌اند که در صورت ادامه بی‌تفاوتی مسئولین، این چاده نیز مسدود خواهد شد.

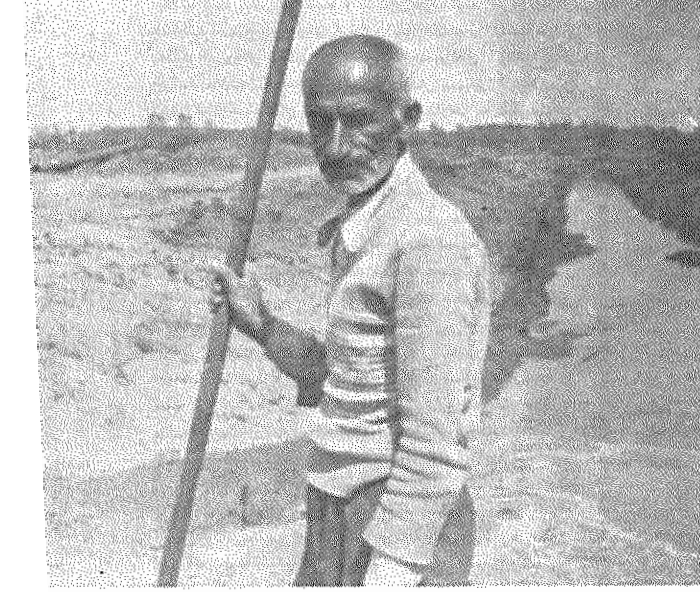
اهالی پیربازار کشاورز هستند و عده‌ای هم در کارخانه‌های رشت کار می‌کنند. محصول اصلی روستائیان برنج است. در روستا یک دبستان، یک مدرسه راهنمایی، دفتر پست، درمانگاه، یک کارگاه چوب‌بری و تعدادی مغازه برای رفع احتیاجات اهالی وجود دارد.

فرزندان اهالی روستاهای اطراف پیربازار برای تحصیل در دهستان و مدرسه راهنمایی تحصیل می‌کنند. این روستا ثبت نام کرده‌اند که با توجه به پارتندی در شمال برای رفت‌وآمد دچار مشکلات فراوانی هستند.

در هیچکدام از این سه روستا برق وجود ندارد. در صحنه پیمان پایکی از اهالی گراکو (بنام تراب پاتری) می‌شنویم که: مسال ۵۸ مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان برای برق‌کشی جمع‌آوری کردیم ولی برای اینکار ۲۰۰۰۰۰ تومان لازم بود. کسی بقیه‌اش را نداد و برق هم نکشیدند. آقای پاتری می - افزاید: «ما به میکروئید ۲۰۰۰۰۰ تومان بدهید. ولی ما بقیه را قبول نداریم که بدهیم. از جبهه‌سازندگی هم برای برق‌کشی به ما کمک نکرده‌اند».

یکی از روستائیان در حالی که ۱۰۰۰۰۰ تومان پول از جیبش درمی‌آورد گفت: «اسمال هم مایل جمع کرده‌ایم ولی مردم ندارند، بیشتر بدهند

بزرگ‌سالگی در ایران بسود ضد انقلاب و امپریالیسم است. انجام اصلاحات ارضی تصویبی شورای انقلاب در روستاهای ا



در گذر به روستا با این دهقان سالخورده نیز آشنا که در کندن جوی آب و ساختن سد خاکی شرکت کرد.

متعلق به «منابع طبیعی» بود بین روستائیان بی‌زمین و افرادی که مایل به کار کردن در این زمینها بودند تقسیم کرد. ما همچنین ۱۵ هکتار زمین متعلق به دکتر جفرودی را که در رشت مطب دارد و بایر مانده بود به همین ترتیب تقسیم کردیم این کارها زیر نظر جبهه سازندگی صورت گرفته است.

هر چند که روستائیان زمین دارند ولی مشکلات عدیده‌ای پیش روی آنها وجود دارد. متأسفانه از روستای کیشور می‌گفت: «باید بابت هر چریب که تراکتور شخم می‌زند ۱۵۰ تومان بدهیم. پایکی دیگر از روستائیان درباره وام صحبت کردیم: - «وامی که یارسال برای کشاورزی بماندند خیلی کم بود و دردی را دوا نمی‌کند» - به هر کس چقدر می‌دادند؟ - «حدود دوا ۳ هزار تومان و به بعضی حد اکثر ۵ هزار تومان» - ۵۰۰۰ تومان، خدا کند اسمال

بیشتر بدهند - بپیره‌اش چقدر بود؟ - «ما بپیره ۶/۱۰ بود» - آیا رباخوار هست؟ - «قبل از انقلاب بپیره خیلی زیاد بود. میداد ولی بعد از آن ترولخوار درده نیس روستائیان اگر طاغوت به بانک کش جاها هر کدام حدو تومان بدهکارند می‌گفتند همه متر حتی روستائیان قد (تیلر ماشینی است آن زمین را برای شخم می‌زنند و شب کوچکتر از آن بدهکارند.»

در این روستا فصل نشا کاری بهترین مسئله است در رابطه با همین آب این روستا

گذری به روستا

روستاهای گراکو، رجاکو و کیشور در غرب شهر رشت به فاصله ۱۰-۱۲ کیلومتری این شهر واقع است که هر سه روستا جزو بخش «پیربازار» محسوب میشوند. در روستای گراکو ۱۲۰ خانوار، رجاکو ۴۰ خانوار، و کیشور حدود ۱۴۰ خانوار زندگی می‌کنند. اهالی این سه روستا با مشکلات متعدد فراوانی روبرو هستند. وسایل رفاهی در این روستا بسیار ناقص و ناچیز است.

در هیچکدام از این سه روستا برق وجود ندارد. در صحنه پیمان پایکی از اهالی گراکو (بنام تراب پاتری) می‌شنویم که: مسال ۵۸ مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان برای برق‌کشی جمع‌آوری کردیم ولی برای اینکار ۲۰۰۰۰۰ تومان لازم بود. کسی بقیه‌اش را نداد و برق هم نکشیدند. آقای پاتری می - افزاید: «ما به میکروئید ۲۰۰۰۰۰ تومان بدهید. ولی ما بقیه را قبول نداریم که بدهیم. از جبهه‌سازندگی هم برای برق‌کشی به ما کمک نکرده‌اند».

یکی از روستائیان در حالی که ۱۰۰۰۰۰ تومان پول از جیبش درمی‌آورد گفت: «اسمال هم مایل جمع کرده‌ایم ولی مردم ندارند، بیشتر بدهند

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل به مسئولان

به خواستهای دامداران طالش رسیدگی کنید!

نیز بر جنگل وارد خواهد آمد. منافع زحماتشان این منطقه بهیچوجه باهمشمار نیست و طبق سیاست درست و خلتی و بسا بر یک برنامه دقیق میتوان خواستهای حق را بر آورده ساخت. ایجاد اختلاف بین گروههای مختلف زحمتکش کار خداست. دامداران ناحیه که هرگونه تفرقه و دعوا را در حال حاضر به ضرر انقلاب و به سود «شیطان بزرگ» می بینند خواستهای خود را بدین شرح بیان داشته اند:

- ۱- انجام اقدامات سریع در جهت حفظ امنیت و سد و حریم اجزای مقامات ذیصلاح و نجان و اجرای آن توسط سپاه پاسداران.
- ۲- انجام اصلاحات ارضی هرچه زودتر و قاطع تر، تا حق به حق دابرسد و تکلیف همه روشن شود.
- ۳- اعزام افراد مسئول از جمله روحانیت مبارز و کارشناسان داهبروری به منطقه جهت رسیدگی به مشکلات موجود.
- ۴- تدوین یک برنامه جامع با در نظر گرفتن جوانب مختلف اقتصادی و اجتماعی.

با عملی نمودن خواستهای روستائیان و کام نهادن در جهت رفاه هرچه بیشتر این طبقه مستضعف و بسا اجرای طرح انقلابی اصلاحات ارضی و فتنه انگیزیهای خدا انقلاب را خنثی کنید.

در منطقه طالش فومنات، دامداران همسایه از ادبیهت ماه همراه دامهایشان به سمت کوههای طالش (طارم) حرکت کرده و در اواسط اردیبهشت در دامنه های جنوبی آن، واز نیمه های خرداد تا پایان تابستان را در قلعه کوه سر میسیرند. پس از انقلاب، به علت ناپیدایی و مسامحه کاری «دولت کام» در مورد بهبود شرایط زندگی و حل مسئله ارضی، که خواست برحق دامداران نیز بود، زمینه بهره برداری خدا انقلاب فراهم گردید. برای نمونه در اولین بهار آزادی یکی از دامدوران طاغوث، بنام استوار بازنشته سید محمد موسوی با تکیه بر «اسلام» ادعائی، روستائیان دامداران جمال آباد و بالنگر و چندین نفر از اهالی هزارووه را تحریک نمود که متأسفانه به برخی از دامداران تحت تأثیر قرار گرفتند و با تهدید به درگیری مسلحانه و غارت احماء، مانع ورود دامهای اهالی شدند. آنها قصد داشتند مراتع آذربایجانهای ساکن در قسمت جنوبی را به تصرف در آورند که با هوشیاری دامداران و مسئولین استان زنجان میسر نشد. این گروه خانه یافت.

اگر چنانچه دامداران مجبور شوند از ۶ ماه اجرای دامهای خود در این منطقه محروم گردند، به قسمت های شمالی کوچ کنند، نه تنها دامها تلف میشوند بلکه خسارت قابل توجهی

و انواع من رسیدگی نمایند، با تقدیم احترام «حبیب خاکی»

دهقانان مینویسند:

ارطغرل این نامه برای ما رسیده است: «اسم من حبیب خاکی ساکن در محله خطه سرا، کارگری بیس نیستم، تنها زمین که برنج خوراکی مرا تأمین میکرد توسط مزدوری که ادعای مالکیت مینماید همراه محصول آن از زمین رفت. مقامات مسئول اینست که تشریف تنها کار من شکایت به پاسگاه

بود که در آنجا نیز به حرف من بدبخت توجهی نشد. این مزدور مزروع مرا که پس از هزاران رنج و زحمت دوزخ را رسم خاردار کشیده بودم بیگ و بیارنه تبدیل کرد و بیرحمانه چنین ظلمی را در حق من نمود. استعفا من از مقامات مسئول اینست که تشریف آورده و به این وضع اندوهبار من

کوچصفهان گیلان

از بسیاری مسائل رفاهی محروم. مشکل دیگر این روستائیان کمبود گوشت است. روستائیان برای تهیه گوشت باید به شهر بروند و این خود کارسانی نیست. زنان گیلانی در این روستاها که دوش بدوش مردان کار می کنند اکثر مواقع دچار ناراحتی جسمی هستند و صورتی رنگ بریده و لاغر دارند. زودچسب پیری و شکستگی می شوند. نخله بد و کارخانه تراش از نظر نبودن بهداشت و مصرف قرص ضد بارداری از طرف دیگر بیش از پیش باعث تحلیل جسمانی آنها می شود زیرا استفاده ترسناک از قرص ضد بارداری و استفاده از قرص های نامناسب با وضعیت جسمانی آنها نیست که این خود عاملی برای ضعف و تحلیل جسمانی آنها به شمار می رود.

هم چنین این روستاها با مشکلاتی نظیر عدم وجود آب لوله کشی، مدرسه و حتی نانوازی روبرو هستند.

بطور کلی خواستهای روستائیان کوچصفهان - گیلان عبارت است از:

- ۱- دادن کود شیمیایی و سموم به کشاورزان به موقع و به قیمت مناسب و به میزان کافی.
- ۲- ایجاد درمانگاه در روستاها.
- ۳- ایجاد حمام.
- ۴- ایجاد لوله کشی آب.
- ۵- برق کشی در روستاها.
- ۶- ایجاد شرکت های تعاونی واقعی.
- ۷- دادن وامهای دراز مدت بدون بهره به کشاورزان بر حسب نیازشان.
- ۸- تعمیر جاده های خاکی این روستاها و شن ریزی آن.
- ۹- دادن سهمیه سیمان به روستائیان.
- ۱۰- ایجاد نانوازی در بعضی از این روستاها.
- ۱۱- دادن اعتبارات لازم به روستائیان این منطقه جهت پرورش گاو، گوسفند، خوک و طیور.
- ۱۲- دادن کمک به افراد برای بنای خانه مسکونی جهت رفاهی یافتن از خانه های کفی و کلوژی (ساقه برنج).
- ۱۳- توجه به وضع خوش نشین ها و تقسیم زمینهای مراد بین آنها و گماشتن آنها به کار.
- ۱۴- خرید برنج کشاورزان از طرف دولت از طریق شرکت های تعاونی.
- ۱۵- ایجاد مراکز سوادآموزی.

(پرورش دهندگان گاو، گوسفند، خوک و طیور) باعث شده که کشاورزان دست از این کار بکشند در حالیکه پرورش گاو، گوسفند، خوک و طیور می تواند منبع درآمدی بسیار گسترده و خودمردم باشد. احیای گاو، گوسفند، خوک و طیور به کمک دولت دارد که وام لازم و خودمردم دفع امراض را به کشاورزان بدهد.

وضع مسکونی کشاورزان این منطقه بسیار ناسامد است زیرا اکثریت مطلق خانه ها به وسیله کلوژ (ساقه برنج) سرمه بندی شده و در نتیجه برف و باران و خاک و آب از آن به داخل اطاق نفوذ می کند. حتی گاهی جای خشکی برای خوابیدن باقی نمی ماند مقداری از برنج کشاورزان هم در این نوع انبارها تکه گذاری می شود که بسیاری از آن نابود می شود و گاهی هم دچار آتش سوزی می شود.

در حالیکه اکثریت این روستائیان عضو شرکت تعاونی هستند در این روستا و روستاهای دیگر خبری از فروخته شدن تعاونی نیست که بتواند وسایل لازم نظیر روغن، نمک، شکر و غیره را در اختیار کشاورزان قرار دهد. گاهی نادروما طول می کشد که از طرف کمیته ۱ تا ۲ کیلو روغن به روستائیان این منطقه برسد و روستائیان ناچار می شوند روغن و دیگر وسایل را به قیمت ۴ برابر قیمت اصلی آن خریداری نمایند با اضافه وقت زیادی که برای تهیه این محتاج تنگی از بازارهای آزاد مصرف می شود.

مسئله مسکن برای کشاورزان این روستا و روستاهای مجاور آن مسئله بسیار بزرگی شده است. زیرا یک دهقان با هزاران زحمت خانه های می سازد اما برای سیمان کاریش لنگ می ماند و با آن را به قیمت ۴ برابر از بازار سیمان بخرد و مقامات مسئول در این زمینه هیچگونه همکاری با آنها نمی کنند. در حالیکه روستا سهمیه ای با ماهیگیری دارد. وقتی که روستائی برای این امر به ادارات مشور مراجع می کند با کارشناسی مقامات روبرو می شود گاهی یک روستائی چار می شود به مدت چندین ماه از ساختن خانه نیمه کاره خود صرف نظر کند. بجز روستای نوید در بقیه روستاها شوراها به تشکیل نشده است. اینده شورای نوید اظهار می داشت که ادارات دولتی در زمینه باز آوردن زهای کشاورزان با ماهیگیری نمی کنند. آیا اینها می خواهند عمداً باعث عدم یافتن کشاورزان شوند و آنها را از انقلاب روزگزار سازند؟

در حالیکه روستای نوید و روستاهای مجاور آن حداقل بیش از ۲۰ متر با ارتفاع فاصله ندارد، این روستاها فاند برق هستند و در نتیجه

دهقانان بی زمین و کم زمین خدمت به تحکیم انقلاب است. کارگران اجرای سریع طرح تارند. برقرار باد اتحاد کارگران و دهقانان



دو دهقان گیلک بهنگام گفتگو با گزارشگر

از چاه تأمین می شود که منشاء بیماریها و عین بهداشتی است. در هیچکدام از سه روستای مزبور درمانگاه و کمپای اولیه و امکانات درمانی وجود ندارد و اگر اینها کسی بیمار شود باید به رشت برود.

در کثرت یک مدرسه تک کلاسی پنجم ابتدائی وجود دارد و تازه این مدرسه کفاف دانش آموزان همین روستاها نمی دهد و بقیه دانش آموزان کثرت در راه همراه با دانش آموزان روستاهای گراکو و رجاکو برای تحصیل به پیر بازار می روند.

در این روستاها حمام نیز وجود ندارد و نظریت حمام پیر بازار نیز خیلی محدود و به علاوه غیر بهداشتی است. شرکت تعاونی این دهات فعال است. ممتدین مردم در این شرکتها فعالیت می کنند ولی متأسفانه امکاناتی که در اختیار شرکت است کم می باشد.

نظرشان را راجع به انقلاب بر سریدیم.

یکی از آنها گفت: ما در انقلاب شرکت کردیم و لاف زدنهای نیز تیر خوردند. بعد از انقلاب هم ما مرتب در تظاهرات شرکت می کنیم و بیشتر می رویم.

دیگری گفت: انقلاب برای ما خوب بوده و ما از آن راضی هستیم ولی در دستکاهای اداری بعد از انقلاب هنوز عناصر طاغوتی وجود دارند. اینطور افراد درست کار نمی کنند.

روستائیان از گرانی هزینه زندگی نگرانند.

روستائیان این سه دهکده به سرانه در انتظار بهبود شرایط زندگی و کار خود هستند. یا حل مسئله آبیاری و نیز رسیدگی به نیازهای رفاهی آنان می توان کار و تولید و زندگی را در سطحی مطابق با خواستهای آنان ایجاد کرد.

پس از آنکه به هم می رسیدند، دهقانان، همانی کردن تولید خود وسیله ای است برای بالا بردن کارآئی بیشتر این روستاها و مسهم آنان در تولید کل کشور.

شما صد خاکی روی رودخانه می زنید آب بالا می آید و بویخانه های ما خسارت وارد می شود و ما مجبوریم که با آنها هم کار بیاییم و خسارت آنها را از این بابت جبران کنیم تا اجازه بدهند ما سد را جلوی آب ببندیم.

یکی دیگر از روستائیان گفت: هزینه آجازه بولدوز و بیل مکانیکی زیاد است و مسئولین به ما بولدوز نمی دهند و ما مجبوریم خودمان با بیایمانکار قرارداد ببندیم و مخارج آنرا هم بطور کامل خودمان بپردازیم. باید همانطور که در نواخاله که روستائی نزدیک این محل است عمل کرده اند اینجا هم کنند. در آنجا با حدود ۵۰۰۰ تومان خرج وضع آب زراعتی روستائیان را بجا آوردند و ما هم می توانیم به همین پولی بابت بولدوز و بیل مکانیکی و غیره بخریم.

روستائی دیگری گفت: هزار سال که گذشت، ولی سال آینده این کانال راه آب که از سد سنکر می آید وصل کنی تا ما اینهمه در سر نداشتیم. در این روستاها آب آشامیدنی

حالی این روستا ایجاد کنند. اکنون بازرع برنج این اهالی در حال خشک شدن است و روستائیان مثل هر سال در حال ساختن سد گلی وقت هستند و اگر موقع آب به مزارع برسد تمام کشتزارهای برنج این مردم می سوزد. به گفته های روستائیان در این مورد گوش میدهم:

قراب باقری: کشاورزان هر ۳ روستا بارها برای ایجاد سد خاکی از جهاد سازندگی تقاضای کمک کرده ایم ولی کسی که ما بنده است.

بابای اینکه بتوانیم سد خاکی را در مسرب رود بریا کنیم از هر روستائی به آزاء هر یک از زمین در سال ۱۰۰۰ تومان می گیریم و با آن بولدوز کرایه می کنیم تا زمین را بکنند و سد را درست می کنیم متأسفانه همه اهالی بملت وضع مالی بد کمک نمی کنند و الا ما حدود ۱۰ نفر هستیم که اینکار را انجام میدهم.

یکی دیگر از روستائیان گفت: «بلاخره روستائیان هستند نزدیک اینجا که می گویند وقتی

قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر

تقاضا می کنیم برای تهیه کس از محیطهای روستائی حتی امکان از حلقه های فیلم ۱۲ تایی استفاده کنند و یا تعداد مکررهای استفاده شده را در هر فیلم، ذکر کنند. تا بدین طریق خود فیلم که اغلب پیش از نیمی از آن مورد استفاده قرار گرفته فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس بفرستید، که آسانتر است.

اخبار دهقانی

روستائیان دستچرد و نونو فل لوشاتو: آب حلال مشکل ما است

روستائیان خواهان حل سریع معضل اساسی خود - آب - هستند.

روستاهای دستچرد و کیک (نونو لوشاتو) یکی از روستاهای قم است. این روستا ۹۰ خانوار را دربر می گیرد که ۳۰ خانوار آن بمنظور دستیابی به کسار روانه شهر شده اند. روستائیان با مشکلات بسیاری که ناشی از کمبود ویا فقدان امکانات درمانی و بهداشتی است، روبرو هستند. در این روستا آب برای آشامیدن و کشاورزی وجود ندارد. اخیراً از طرف جهاد سازندگی چاهی حفر شد که به علت عمق کم به آب نرسید. برای حفر این چاه ۴۱۰ هزار تومان بودجه در نظر گرفته شده بود که ۹۰ هزار تومان آن بوسیله اهالی تأمین شد. به علاوه حدود صد هکتار زمینی که در دستچرد و نونو لوشاتو وجود دارد بزمیر مانده است. همه اینها موجب مهاجرت تعداد زیادی از اهالی به شهر شده است.

در روستاهای دستچرد و نونو لوشاتو از حمام و درمانگاه خبری نیست. روستائیان از ابتدای انقلاب بزرگ رشک و حسدند. بی یالستی و خلتی، همبو و همکار با دیگری زحمتکشان شهر و روستا دست به تظاهراتی در جهت پشتیبانی از رهبر انقلاب و ایراز نفرت از امیر پالیسم غارتگر آمریکا زدند. شمارهای آنان در این تظاهرات: سرک بر سه مفسدین: کارت - سادات و بکین، «مرگ بر آمریکا» و دیگر شمارهها بوده است.

آنان از دولت میخواهند که دست به اقدام سریع به منظور حل معضل اساسی آنان - آب - بزند. آنان میخواهند که دولت همراه با تدارک آب، کود، بذر و دیگر وسایل کشت را در اختیارشان قرار دهد. آنان از دولت انقلاب انتظار دارند که امکانات رفاهی را که سالیان سال از آن محروم بوده اند برایشان فراهم کند.

از کشاورزان کرمانشاه در قبال تحریکات ضد انقلاب، حمایت کنید

ضد انقلاب، کلیه دارندگان ماشینهای درو گندم (کمباین) در در کرمانشاه تهدید کرده است که اگر به درو کردن گندم اقدام کنند کمباینهای آنها را آتش زده و رانندگان آنها را خواهند کشت. در شرایطی که افرایس تولید کشاورزی برای انقلاب ایران که تحت محاصره اقتصادی امپریالیسم بر سر گردگی امیر پالیسم آمریکا قرار گرفته است، اهمیت بسیار زیاد دارد لازم است مسئولین جمهوری اسلامی ایران، قاطعانه در قبال این تحریکات از کسانی که با کمباینها کار میکنند حمایت کرده و به آنها شلیمتین دهند که ضد انقلاب از تهدید خود طرفی نخواهد بست. باید با مراقبت کامل از دروگران بهنگام کار، مانع از آسیب وارد شدن به ماشینها و رانندگان آنها گردید.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

کمک مالی را میتوان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن های ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹ - ۲۳۳۴۵۹ - ۲۳۳۴۵۹ را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان میتوانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام تقی کیمنش و شماره ۳۲۳۲۲ شماره ۳۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاماعلی سفلی)، خطابان نموده دکتر حسین فاطمی بپردازند. از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را برای ارسال بدارند.

پوشش و پاسخ

جلسات «پوشش و پاسخ» روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بهمانجا در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، مک کنید، قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

مسائل کارگری

نیست. استبداد طاغوتی هم احزاب راسخ کرد و هم سندیکاها راه هم احزاب را دستشانده و فرمایشی کرد و هم سندیکاها را پس در ذات و ماهیت احزاب سندیکاها خلی نیست واکر خلی است در ذات و ماهیت استبداد است. همانطور که اکنون احزاب سیاسی وجود دارند سندیکاها هم می‌توانند وجود داشته باشند. در شرایط وجود آزادیهای سیاسی، سندیکاها یکنه نهاد متشکل صنفی و طبقاتی کارگران هستند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به اهمیت سندیکاها و شوراها به ضرورت تشکیل آنها تاکید کرده است. اکنون این سؤال مطرح میشود که در این ۳۰ ماه پس از تصویب قانون، وزارت کار برای تشکیل شوراها و سندیکاها چه کرده است؟ با تاسف باید گفت وزارت کار نه تنها برترهای انحرافی تبلیغ شده در دوران کارخانه چشم بست و حتی کوشش حداقلی هم در جهت حمایت از خواست طبقاتی کارگران برای تشکیل سندیکاها بعمل نیاورد، بلکه برخی مسئولان وزارت کار هرگز با تکیه بر سندیکاها با کارشناسی در راه نیت سندیکاها این بیان واحد صنفی، این یا آن کارگاه کوچک عملاً راه را به تشکیل سندیکاها بستند. حاصل این نحوه عمل آن شد که مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد شوراها و سندیکاها بلاچرا مانده کارگران در نتیجه فقدان شبکه سندیکایی نتوانستند نمایندگان منتخب خود را در تعیین قانون جدید کار شرکت دهند نتوانستند نمایندگان منتخب خود را به سازمانهای بین‌المللی و از جمله سازمان بین‌المللی کار اجراء دهند، در ایجاد و گسترش پیوند بسا سازمانهای بین‌المللی کارگری، از تبادل تجربه و جلب پشتیبانی وسیع آنها محروم ماندند و از همه آنکه انقلاب ایران که شکل سندیکایی و سیاسی طبقه کارگر بزرگترین و مهمترین پشتوانه حفظ دستاوردهای آنست، نتوانست از این پشتوانه عظیم سود کافی برد و در آینده نیز ادامه تجزیه و تفرقه طبقه کارگر مسلماً بهزیان انقلاب ایران است.

وزارت کار و امور اجتماعی وظیفه دارد قصور و مسامحه گذشته را هرچه زودتر جبران کند. در اجرای قانون اساسی شرایط و مقدمات لازم را برای تشکیل سندیکاها کارگری و شوراها واقعی فراهم آورد تا هرچه زودتر این دو نهاد انقلابی در گستره کارخانهها و مراکز تولیدی وجود آیند تا در چارچوب وظایف و مسئولیت خود عمل کنند. طبقه کارگر پتویه خود وظیفه دارد هرچه زودتر به تشکیل سندیکایی خود تحقق بخشد. این بسود طبقه کارگر و بسود انقلاب ایران است.

به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزد، آجرها را از کوره‌های آجرپزی واقع در دجاده حسن آباد قم (خارلق) و به قیمت هر هزار عدد ۱۰ تا ۲۰ تومان بیشتر از نرخ رسمی خریداری می‌کنند، سپس با نیرنگ‌هایی که در بالا ذکر شد، به فروش می‌رسانند. در کنار این بازار سیاه واسطه‌های کم‌بینه‌تری نیز بساط پهن کرده‌اند که مشغول فروش «خاک رس» هستند و کالای اخیراً هر کابو، مبلغ ۲۵۰ تومان عرضه میکنند؛ این خاک از اطراف نعمت‌آباد و جاده قم و ساوه تامین میشود. گنتی است که واسطه‌ها در این مورد چهرینه حفر زمین و برداشت خاک و حمل آن تا چهارراه شبر شریعتی، مخارج دیگری ندارند.

در این رابطه باید هشدار دهیم که: کترین ضرر برداشت غیرمعمول و غیرمسئولانه خاک، آنهم خاک «رس» که جهت گسترش کشاورزی بسیار ضروری است، و آثار بجا مانده از خاکریزهای بی‌احتیاطی، حفره‌های پرازیله ولای ولجن است که منشاء هزاران بیماری و گرفتاری برای ساکنان محروم نعمت‌آباد شبر شریعتی ... است.

واسطه‌ها انگل‌های اجتماع و یاران ضدانقلاب هستند! شرفشان را از سر مردم زحمتکش ماکوتاه کنید!

نام «مردم» در نظر دارم که - های تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت نشکین و منور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه بی‌دستان و آزادی‌خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» برسانند. یا سیاسی - نامه «مردم»

متحد خلق ایران متوجه انقلاب ایران کرده است نشان خواهد داد. آنچه در کردستان گذشت، در صورت موفقیت کامل امپریالیسم می‌بایست در سراسر ایران جاری میشد؛ تبلیغات و عملیات پراکنده ضدحکومتی، خرابکاری و حادثه آفرینی از چپ، بی‌اعتبار کردن نیروهای انقلابی یا بزرگ‌نمایی مواد خامی که چه‌نمایان فراهم کرده‌اند از راست، منفرد کردن نیروهای انقلابی و به گلوله بستن آنان از هر دو سو.

خوشبختانه واقعیتی و قاطعیتی حزب توده ایران در لحظات حساس تاریخی که پیش توانست امت تعالی فراوان چپ‌گرایان را به هانگی با تفرقه‌افکنان چپ تا حدودی خشن کند. به‌جرات می‌توان گفت که اگر عملکرد وحدت‌آفرین حزب طبقه کارگر ایران نبود چه بسا که فاجعه تاحیال اتفاق افتاده بود.

شکافی که در زمینه واقعی را که در این شانزده ماه بر انقلاب ایران گذشت است مورد می‌کنیم، نخستین و برجسته‌ترین نکته‌ای که به چشم می‌آید، هانگی زیر و زبیرهای دو تاکتیک ضدانقلاب و ناهاانگی و بی‌دستی زای بخش بزرگی از نیروهای انقلابی در برابر این هانگی است. این هانگی و آن بی‌دستی‌های رمز و راز تعدد غائله‌های ضدانقلابی در این شانزده ماه است.

خوشبختانه در هفته‌های اخیر بویژه در میان چپ-گرایان تحولات مثبتی در راستای درک مسامحیت ضدانقلابی تفرقه‌افکنان چه‌نما بوقوع پیوسته است. برشک اگر این تحولات پیگیرانه دنبال شوند، چه دفاع از اتحاد اصولی نیروهای انقلابی ایران برای خشن کردن توطئه‌های امپریالیسم جهان تفرقه‌ای خواهد گرفت. میدان مالود ضدانقلاب از چپ و راست هرچه بیشتر محدود خواهد شد و امکانات نوینی برای پیروزی قطعی انقلاب ایران فراهم خواهد آمد. بهر صورت آینده در هر راستایی جریان پیدا کند انقلاب ایران تاحیال یکبار دیگر این درس بزرگ را به انقلابیون راستین آموخته است که در دوران ما، تنها با تشکیل و تحکیم جبهه متحد خلق، دورهای پیروزی قطعی و نهایی بر امپریالیسم جهانی، پیش روی جنبش آزادیبخش گشوده خواهد شد.

سندیکاها سازد. این گروه وجود طبقات متضاد اجتماعی و مبارزه طبقاتی میان این طبقات را نمی‌تواند. او متکر وجود طبقاتی بنام سرمایه‌دار و کارفرمایست و چنین تبلیغ میکند که همه باید برادوار پرسرگرم گسترده بنشینیم. این گسره کار را با شرکت کارگران در شورای کارکنان و نظارت آنها بر روند تولید تمام شده می‌اند. اما واقعیت آنست که در جامعه کنونی ایران طبقات متضاد وجود دارد و نامانگی این طبقات با منافع متضاد طبقاتی خود وجود دارند. مبارزه طبقاتی نیز وجود خواهد داشت. در پشت سر همه گروه‌های اجتماعی نفع طبقاتی انسان خفته است و تا نفع طبقاتی متضاد وجود دارد، نمیتوان مبارزه طبقاتی را انکار کرد. صرف نظر از آنکه حتی در جوامعی که استثمار برافشاده و مالکیت اجتماعی برسر تولید وجود دارد سندیکاها به‌شابه بیانگران خواستهای صنفی و سیاسی کارگران امکان زیست دارند.

هر دو گروه فوق‌الذکر برای پیشبرد مقاصد خود از جمله چنین استتلال می‌گردند که دوران سندیکا سرآمده سندیکاها در زمان طاغوت به‌شابه ایران رژیم مطلقه عمل کرده و ساواک گرداننده آنها بوده است و بنابراین مردودند باید دنبال نهاد دیگری رفت که آنهم شورا است.

نامه «مردم» از همان آغاز، این تبلیغات گمراه کننده را افشا کرد و نوشت که شوراها سندیکاها هر دو نهادها اصیل انقلابی هستند که نه‌بکی جانشین دیگری میشوند و یکی دیگری را نمی‌تواند. شوراها طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اداره تولید و با شرکت نمایندگان کارگران، کارفرما، و دولت تشکیل میشود چارچوب وظایف و مسئولیت ایشان و وظایف سندیکاهاست. قفت سندیکاها هستند که به‌شابه نهادهای ناپاک‌کاری بدست خود کارگران بوجود آیند. در چارچوب دفاع از حقوق صنفی طبقه کارگر و شعارهای عام سیاسی عمل میکنند و قادرند به‌گردان نیرومند سراسر کشوری برای پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و تامین آزادی و استقلال کشور کامل آیند.

اگر سندیکاها در رژیم طاغوت، ابزار حکومت مطلقه و سرکوب طبقه کارگر بوده‌اند، هیچ‌چیز دلیل بر نفی آنها

و این همه در شرایطی است که بر اساس دستورات و کدملیات مسئول، صاحبان و مدیران کوره‌های آجرپزی حق ندارند بدون اجازه شهرداری و پروانه رسمی به کسی آجر تحویل دهند و تعداد مقابل از یک جوریس باید «آجر سفید» را هر ۱۰۰۰ عدد، ۴۵۰ تومان و «آجر قرمز» را هر ۱۰۰۰ عدد، ۳۵۰ تومان به خریدار تحویل دهند.

چیت آگاهی مقامات مسئول دولتی یادآور میشود که اکنون بیش از یک‌سوم است که واسطه‌های فروش آجر در چهارراه شبر شریعتی، واقع در حفاصل «نازی‌آباد» و «نعمت‌آباد» اقدام بفروش آجر سفید به‌قیمت هر ۱۰۰۰ عدد، ۹۳۰ تومان و یا هر ۱۰۰۰ تومان می‌کنند. این فرصت‌طلبان انگل‌سفت که با ایجاد بازار سیاه عملاً آب

سیاست تفرقه‌افکنی از چپ می‌بایست با سوءاستفاده از تمایلات چپ‌روانه و ناآگاهی و بی‌تجربگی آنان پیش‌برود، علیرغم هشدارهای مکرر حزب توده ایران، هرگز چنانکه باید ایباد خطرناک این توطئه را درک نکردند و هر یک به درجاتی و به شکلی در این دام گرفتار شدند. در آن لحظاتی که این امر ضرورت تاریخ بود، آنان نتوانستند این واقعیت آشکار را دریابند که این تنها امپریالیسم است که از انعطاف‌پذیریترین و سرسختانه‌ترین مواضع آنان در برابر نارسانتها و ناآرامیهای حیات حاکمه سود می‌برد. این امپریالیسم است که از آنان «سازش‌پذیری» و «آرام-گرایی» می‌طلبد و از «تیر» در حالیکه امپریالیسم برای جدا کردن آنان از توده‌ها در پی‌فرست بود، آنان خود در جدا شدن از خلق پیشقدم شدند. در شرایطی که اتحاد نیروهای ضد امپریالیست یک نیاز و ضرورت عینی بود و کوشش در راه تشکیل و تحکیم جبهه متحد خلق و وظیفه سرپیچی-ناپذیر هر نیروی انقلابی محسوب میشد، چپ‌گرایان جبهه خلق در ایران کمتر تمایلی به تعیین مرز و حفاصل مشخص مابین خود و تفرقه‌افکنان چه‌نما نشان دادند. این اشتباهات ویرانگر، وسیع‌ترین میدان‌ها و بیشترین امکانات برای فعالیت خرابکارانه بسود امپریالیسم را در اختیار تفرقه‌افکنان چه‌نما قرار نهاد. در موارد بسیاری ما-و-بیشیا و دیگر چه‌نمایان نتوانستند آوازه خود را به انقلابیون چپ‌گرا تحمیل کنند و آنان را بدینال خود به یواریویی مستقیم با انقلاب بکشاند. برای مثال می‌توان مورد آشوب دانشگاه را ذکر کرد که طی آن مائوئیستها توانستند فدائیان را علیرغم مخالفت ناپیکر مرکزیت سازمان فدائیان، به درگیری در آشوب بکشاند که -دها کشته و سدها زخمی و شکافی بزرگ مابین آنان و خلق بجا گذاشت و جز بسود سرهنگ توکل تمام نشد. اما مثال نمونه‌وار برای این پدیده خطرناک انقلاب ایران مثال کردستان است.

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

سیاست تفرقه‌افکنی از چپ می‌بایست با سوءاستفاده از تمایلات چپ‌روانه و ناآگاهی و بی‌تجربگی آنان پیش‌برود، علیرغم هشدارهای مکرر حزب توده ایران، هرگز چنانکه باید ایباد خطرناک این توطئه را درک نکردند و هر یک به درجاتی و به شکلی در این دام گرفتار شدند. در آن لحظاتی که این امر ضرورت تاریخ بود، آنان نتوانستند این واقعیت آشکار را دریابند که این تنها امپریالیسم است که از انعطاف‌پذیریترین و سرسختانه‌ترین مواضع آنان در برابر نارسانتها و ناآرامیهای حیات حاکمه سود می‌برد. این امپریالیسم است که از آنان «سازش‌پذیری» و «آرام-گرایی» می‌طلبد و از «تیر» در حالیکه امپریالیسم برای جدا کردن آنان از توده‌ها در پی‌فرست بود، آنان خود در جدا شدن از خلق پیشقدم شدند. در شرایطی که اتحاد نیروهای ضد امپریالیست یک نیاز و ضرورت عینی بود و کوشش در راه تشکیل و تحکیم جبهه متحد خلق و وظیفه سرپیچی-ناپذیر هر نیروی انقلابی محسوب میشد، چپ‌گرایان جبهه خلق در ایران کمتر تمایلی به تعیین مرز و حفاصل مشخص مابین خود و تفرقه‌افکنان چه‌نما نشان دادند. این اشتباهات ویرانگر، وسیع‌ترین میدان‌ها و بیشترین امکانات برای فعالیت خرابکارانه بسود امپریالیسم را در اختیار تفرقه‌افکنان چه‌نما قرار نهاد. در موارد بسیاری ما-و-بیشیا و دیگر چه‌نمایان نتوانستند آوازه خود را به انقلابیون چپ‌گرا تحمیل کنند و آنان را بدینال خود به یواریویی مستقیم با انقلاب بکشاند. برای مثال می‌توان مورد آشوب دانشگاه را ذکر کرد که طی آن مائوئیستها توانستند فدائیان را علیرغم مخالفت ناپیکر مرکزیت سازمان فدائیان، به درگیری در آشوب بکشاند که -دها کشته و سدها زخمی و شکافی بزرگ مابین آنان و خلق بجا گذاشت و جز بسود سرهنگ توکل تمام نشد. اما مثال نمونه‌وار برای این پدیده خطرناک انقلاب ایران مثال کردستان است.

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

پیرامون مصاحبه رادیویی آقای وزیر کار و امور اجتماعی

چرا هنوز سندیکاها و شوراهای کارگران را نمی‌بینیم؟

کار شرکت می‌کرد. البته مصوبه شورای انقلاب توانست به‌اصورت کارساز باشد و شرایط لازم را برای شرکت هیئت نمایندگی ایران فراهم کند.

از آزمون تاکنون یکسال گذشته است. یکسال برتلاطمی که طبقه کارگر ایران پیشاپیش همه نیروها جان برکف برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایستاده است. یکسال که کارگران بر ضرورت تشکیل نهادهای کارگری و بویژه سندیکاها برای دفاع از حقوق خود بافشارده‌اند، صفحات کارگری نامه «مردم» در این یکسال، بازناب نامه‌های فراوان کارگران و خواست آنان برای ایجاد و تثبیت و گسترش سندیکاها بوده است. متأسفانه باید گفت که مسئولین وزارت کار نه تنها طی این دوران هیچ عمل مثبتی در این زمینه انجام نداده‌اند بلکه در موارد بسیار نادر و نادرشان بی‌توجهی و بی‌توجهی کامل آنان به تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بوده است.

در دوران پس از انقلاب، دوجریان نسبتاً نیرومند، اما انحرافی در دوران کارخانه‌ها پدید آمد که هدف هر دو ایجاد سردرگمی در میان کارگران و انحراف توجه آنان از مسئله مهم تشکیل سندیکایی بود. این دو جریان ضمن آنکه سندیکاها را نفی میکردند، انگیزه‌های مخافرتی داشتند. یکی میخواست بیخالی خود شوراها را به‌ارگان حاکمیت طبقه کارگر بدل کند، پندارباطلی که هیچ‌چیز بافصلت انقلاب ایران سازگاری نداشت. زیرا در این مرحله از انقلاب، هدف عمده باید تشکیل «جبهه متحد خلق» در برابر امپریالیسم تجاوزکار و پشتیبانی از حکومت موجود باشد و نه مبارزه با سراسر از قدرت و کوشش برای انتقال آن به طبقه کارگر، اقدامی که نیروها را تجزیه نموده و راه را برای تجاوز امپریالیسم خواهد گشود. این تر انحرافی و گمراه‌ساز آور از سوی گروه‌های چپ و چپ‌نما به‌میان کارگران برده شده و طی هیئاری طبقه کارگر برسیه آنان دست در نهادهای این گروه‌ها هنوز هم از تلاش بی‌حاصل خود باز نایستاده‌اند.

گروه دیگری نیز میخواست و می‌خواهد شوراها را جانشین

مشکل مسکن، این خواست برحق توده‌های زحمتکش ایران که پس از زمیزی اجبارنشینی و تحمل شدائد سرنواهی از خود داشته باشند - هر دوست تمام مرصه‌های دیگر مایحتاج زندگی، وسیله ای شده‌است در جهت عسای «دل» فرصت طلب که نامی جز «انگل» را - آنهم در جامعه انقلاب - سازوار نیستند.

در حالی که کارگران زحمتکش کوره‌های آجرپزی پس از عمری تلاش حتی قدرت خرید چند صد عدد آجر تولید شده، توسط دستبای بی‌بسته خود را ندارند و در حالی که همه‌روزه گروه کثیری از موهن‌طنان من که با سرهم کردن تقریباً همه چیز خوب - بقصد خرید آجر به‌نرخ رسمی و دولتی در مقابل «دفتر توزیع آجر مائوئیستی» صف می‌بینند و انتظار نوبت خود را می‌کشند، واسطه‌ها با ایجاد بازار سیاه برای این کالا همچنان به‌زدنگی «کرپور» خود ادامه میدهند.

وقتی از صفحه ۳ متحدان خویش در دستگاه حکومتی را برای بجانم انداختن نیروهای انقلابی تسهیل کنند. گروهک شفق سرخ، چندمقامی پس از پیروزی قیام، انحلال خود را اعلام کرد انتشاری نیروهای انقلابی مجال فعالیت به‌این گروهک شناخته شده نمیداد. از اینرو ادامه فعالیت آن برای امپریالیسم صرف نمیکرد. بویژه که روح شفق سرخ در کالبد پیکار و کومه و رزمندگان... حصول کرده بود و اینان که امکانات بیشتری برای فعالیت داشتند داوطلبانه سرجم سیاه فرو افتاده از دست گروهک و برادرش و پیگیرانه به‌عنوان درآورده بودند.

بلافاصله پس از انقلاب جریانهای مائوئیستی ایران به دو شعبه تقسیم شدند، بخش کوچکی از آنها زیر پوشش دفاع از انقلاب، فعالیت تفرقه‌افکنی از راست را در پیش گرفتند و بخش دیگر با چهره‌های چه‌نمایانه بسا جدیت و پشتکار بیشتری از گروهک شفق سرخ، به انجام فعالیت سازمانهای جاسوسی امپریالیسم در زمینه تفرقه-افکنی از چپ پرداختند.

حزب توده ایران از آغاز فعالیت در دوران استقرار انقلاب ایران، در همانحال که تمام تجربه و دانش سیاسی خویش را برای مبارزه با تفرقه‌افکنی ضدانقلاب از راست بکار گرفته است، همواره به همه نیروهای انقلابی درباره احتراز از فروافتادن به دام تفرقه‌افکنان چه‌نما نیز هشدار داده‌است. بارها گفته‌ایم که تنها با اتخاذ سیاست «اتحاد و مبارزه» میتوان در عین تحکیم اتحاد اصولی نیروهای انقلابی و خشن کردن نفاق‌افکنی ضدانقلاب، برای حفظ، تثبیت و پیشبرد دستاوردهای انقلاب مبارزه کرد. در گزارش حیات آجرپزی به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

... ما باید از طرح شمارهای که در مرحله کنونی جامعه ایران غیرواقعی هستند، مطلقاً خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شعارها برحذر آوریم. طرح شمارهای غیرواقعی سر-تواند بسود سوءاستفاده دشمن و محافل راست قرار گرفته و کار آنها را در زمینه تفرقه‌اندازی و جدا ساختن نیروهای انقلابی از مردم آسانتر سازد. (مردم شماره ۱ صفحه ۶)

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

واسطه‌ها انگل‌های اجتماع و یاران ضد انقلاب هستند

شرفشان را از سر مردم زحمتکش ما کوتاه کنید!

مشکل مسکن، این خواست برحق توده‌های زحمتکش ایران که پس از زمیزی اجبارنشینی و تحمل شدائد سرنواهی از خود داشته باشند - هر دوست تمام مرصه‌های دیگر مایحتاج زندگی، وسیله ای شده‌است در جهت عسای «دل» فرصت طلب که نامی جز «انگل» را - آنهم در جامعه انقلاب - سازوار نیستند.

در حالی که کارگران زحمتکش کوره‌های آجرپزی پس از عمری تلاش حتی قدرت خرید چند صد عدد آجر تولید شده، توسط دستبای بی‌بسته خود را ندارند و در حالی که همه‌روزه گروه کثیری از موهن‌طنان من که با سرهم کردن تقریباً همه چیز خوب - بقصد خرید آجر به‌نرخ رسمی و دولتی در مقابل «دفتر توزیع آجر مائوئیستی» صف می‌بینند و انتظار نوبت خود را می‌کشند، واسطه‌ها با ایجاد بازار سیاه برای این کالا همچنان به‌زدنگی «کرپور» خود ادامه میدهند.

وقتی از صفحه ۳ متحدان خویش در دستگاه حکومتی را برای بجانم انداختن نیروهای انقلابی تسهیل کنند. گروهک شفق سرخ، چندمقامی پس از پیروزی قیام، انحلال خود را اعلام کرد انتشاری نیروهای انقلابی مجال فعالیت به‌این گروهک شناخته شده نمیداد. از اینرو ادامه فعالیت آن برای امپریالیسم صرف نمیکرد. بویژه که روح شفق سرخ در کالبد پیکار و کومه و رزمندگان... حصول کرده بود و اینان که امکانات بیشتری برای فعالیت داشتند داوطلبانه سرجم سیاه فرو افتاده از دست گروهک و برادرش و پیگیرانه به‌عنوان درآورده بودند.

بلافاصله پس از انقلاب جریانهای مائوئیستی ایران به دو شعبه تقسیم شدند، بخش کوچکی از آنها زیر پوشش دفاع از انقلاب، فعالیت تفرقه‌افکنی از راست را در پیش گرفتند و بخش دیگر با چهره‌های چه‌نمایانه بسا جدیت و پشتکار بیشتری از گروهک شفق سرخ، به انجام فعالیت سازمانهای جاسوسی امپریالیسم در زمینه تفرقه-افکنی از چپ پرداختند.

حزب توده ایران از آغاز فعالیت در دوران استقرار انقلاب ایران، در همانحال که تمام تجربه و دانش سیاسی خویش را برای مبارزه با تفرقه‌افکنی ضدانقلاب از راست بکار گرفته است، همواره به همه نیروهای انقلابی درباره احتراز از فروافتادن به دام تفرقه‌افکنان چه‌نما نیز هشدار داده‌است. بارها گفته‌ایم که تنها با اتخاذ سیاست «اتحاد و مبارزه» میتوان در عین تحکیم اتحاد اصولی نیروهای انقلابی و خشن کردن نفاق‌افکنی ضدانقلاب، برای حفظ، تثبیت و پیشبرد دستاوردهای انقلاب مبارزه کرد. در گزارش حیات آجرپزی به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

... ما باید از طرح شمارهای که در مرحله کنونی جامعه ایران غیرواقعی هستند، مطلقاً خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شعارها برحذر آوریم. طرح شمارهای غیرواقعی سر-تواند بسود سوءاستفاده دشمن و محافل راست قرار گرفته و کار آنها را در زمینه تفرقه‌اندازی و جدا ساختن نیروهای انقلابی از مردم آسانتر سازد. (مردم شماره ۱ صفحه ۶)

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

حادثه مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و نمر-

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

مرگ شاه مخلوع، در اهداف انقلاب ضد امپریالیستی خلق ما تغییری نمیدهد!

اعتراض خلق کرد به دستگیری فاروق کیخسروی توسط فاشیستهای «گروه قاسملو»، گسترش می یابد

در پی درود شدن فاروق کیخسروی، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پرو کنگره چهارم)، توسط اوباشان گروه فاشیست قاسملو، اعتراضات شدیدی از جانب شخصیت های کرد و مردم کردستان نسبت به این عمل جنایتکارانه، انجام گرفته است. اما فاشیستهای مراد «دنگراس» «گروه قاسملو»، همچنان این انقلابی صلیب را در داخلین در زندان خود نگهداشته اند.

این اعمال «گروه قاسملو»، نه تنها ماهیت واقعی انتهای آنان را در دفاع از «دمکراسی» به خلق کرد می نمایاند، بلکه هر روز که میگذرد، گروه جدیدی را به اعتراض علیه این خودسرها و خودکامگیها برمی انگیزد.

مردم کرد، خواستار آزادی فوری زندانبان خود، فاروق کیخسروی از زندان فاشیستها هستند.

حمله به دفتر

نامه «مردم» در گومسار

مهر کین را شناسایی و از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید

به تحریک چند عنصر شناخته شده روز ۱۳ تیر عده ای دفتر «نامه مردم» در گومسار را مورد تهاجم قرار دادند.

این افراد تحریک شده علاوه بر آزار دادن پوستها، مسئولین دفتر را تهدید به تخلیه محل روزنامه نامه مردم کردند. ظاهراً این افراد مصممند که با بمباران و تخریب دفتر گومسار حمله کنند و به اصطلاح آنرا جمع کنند.

ما ضمن اعتراض به این عمل ضد انقلابی از مسئولین نهادهای انقلابی گومسار بخصوص سپاه پاسداران انقلاب می خواهیم که محرمین این افراد را شناسایی کنند و اجازه ندهند که اصول منزه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدمنگونه پایمال شود.

توجه!

واژه نامه سیاسی اجتماعی که اخیراً نایاب شده بود توسط انتشارات حزب توده ایران تجدید چاپ شد.

چاپ پنجم این واژه نامه شامل معانی ۱۱۰ واژه در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی است.

شاه مخلوع، جنایتکاری است که دستش بخون دهها هزار نفر از مردم مبارز ایران آغشته است. مرگ او (که گاه بکرات خبرگزاریها نزدیک آنرا نوبد میدهند) کمترین مجازاتی است که این جنایتکار مزدور می تواند دریافت کند. اما مردم ایران شاه مخلوع را تنها به واسطه تبهکاریهای بی حد و حصرش، در شکنجه و تیرباران بدترین فرزندان این کشور، مقرر نمی شناسند، بلکه همچنین او را همراهی می دانند که مجسری مطلق و مقصد جنایتکارانه و غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها در ایران بسود و مستول و وابستگی، فساد، انحطاط و عقب ماندگی در کشور ماست.

شاه به حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا دست به این جنایات وحشیانه زد و ملت ما را از هستی سابق فرود آورد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکا و عدل آن دست از مبارزات برحق خویش بر نمی دارد و نخواهد برداشت.

شاه با سرکوب جنبش مردم، توسط سازمان سیا، آمریکا جبهه داری کرد. آری آمریکا دشمن اصلی ماست، و استقلال بر بادده خود را برقرار ساخت و ربع قرن در سایه شوم سرنیزه، سرزمین ما را به تاراجگاه انحصارات امپریالیستی تبدیل کرد. آری آمریکا دشمن اصلی ماست، و نظام پلانی و شاهنشاهی زائیده دسایس و حافظ منافع او است.

امپریالیسم آمریکا به یاری دست پرورده پلید خود، شاه مخلوع صنایع سرشار و مستخرج مردم ایران را به غارت برد، ایران را به زائیده اقتصادی، سیاسی و نظامی خود تبدیل کرد و هستی کشور ما را یکسره بر باد داد. نام در پیام خود به پشتیبانی از داندجویان مسلمان ستر در لانه جاسوسی آمریکا گفت:

«جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد و یا بشود از یاد برد. بر همه روشن است که محمدرضا پهلوی، ما را از هر جهت وابسته به آمریکا کرده بود. چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از نظر فرهنگی و نظامی و چه از نظر معنوی و خصلت های انسانی...»

امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق

ما، سازمان جنبی ساواک را با کمک خود، فروختگان داخلی، زیر نظر شاه مخلوع و کارشناسان دواش جاسوسی آمریکا، ریزی کرد. زندانبانی متعدد ساخت و بهترین فرزندان خلق را به بند کشید. و هستی بریار میهن پرستان این آب و خاک را زیر شکنجه های قرون وسطایی و در سحرگاههای شریکان اعدام به نیستی کشاند.

و امام گفت: «آمریکا آن کسی است که ۵۰ سال به این مملکت خیانت کرد و به امر او جوانان ما دست جمعی در خیابانها کشته شدند...»

و امام گفت: «آمریکا آن کسی است که تمام ملت ما با او دشمن است آمریکا هرگز... آمریکا منشاء این امور است، منشاء کارهایی که انجام گرفته می باشد. (کیهان - ۱۹ آبانماه ۵۸)

اینکه، خواست عازلان مردم ایران بعد از پیروزی انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی، به رهبری امام خمینی در این مورد جز استرداد شاه مخلوع، اموال غارتی او، و قطع نفوذ امپریالیستها، سرکردگی امپریالیسم آمریکا از همه دشمنان جامعه و برچیدن بساط همه امور و کارهایی که آمریکا منشاء آنها بوده، نیست.

همین باره گفته اند: «هم اکنون اعلام میکنم که ایران باید تا قیام تمام وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی خود را از آمریکا به مبارزات قانع خود علیه این جهانخوار برچم ادامه دهد».

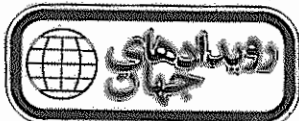
(امام خمینی، ۲۳ آبان ۵۸، جمهوری اسلامی) در شرایط حساس کنونی که مردم ما با شقاق و سختی های طاقت فرسایی که نمره سالها روابط غارتگرانه و اسارت بار با امپریالیستها، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، استرویر هستند و مطبوعات کشور اخباری مبنی بر اینکه «وضع سلامتی شاه بسیار نگران کننده است» (یادماند ۸ تیر ماه ۵۹) و او یکی دو روز دیگر زنده نخواهد ماند، (اطلاعات ۸ تیرماه ۵۹) منتشر می سازند، شایان تأکید است که مرگ شاه، این دست پرورده امپریالیسم آمریکا، به هیچ وجه در هدف مبارزات انقلابی مردم ما، تغییر وارد نخواهد ساخت و مبارزه بیگانه تا قطع تمام وابستگیها، تا استرداد کامل اموال غارتی شاه، تا پیروزی نهایی و مسادته ایران در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ادامه خواهد یافت. امام گفته است:

«هفته ملت ما دشمن شماره اول خویش را امروز آمریکا می داند. آنوقت هم که او (شاه مخلوع) بود، دشمن شماره یک ما آنها بودند.» (اطلاعات ۱۷ آبانماه ۵۸)

و اضافه کرده است:

«خوشبختی ما زمانی است که سلطه استعمارگران بیصوم آمریکا را قطع کنیم.» (آزادگان ۲۸ آبان ۵۸)

در کنگره حزب کمونیست سوریه



خالد بکتاش رهبر حزب کمونیست سوریه درباره کنگره اخیر حزب گفت قبل از هر چیز باید اعلام کرد که کنگره با شمار تقویت استقلال ملی سوریه و همبستگی نیروهای میهن پرست و ترقیخواه که در راه آزادی سرزمین های اشغالی عرب و تأمین حقوق حقه خلق عرب فلسطین ازجمله حق این خلق برای داشتن یک کشور مستقل مبارزه می کنند برگزار شد. بکتاش گفت کمونیستهای سوریه لزوم تحکیم بخش دولتی اقتصاد و گسترش نقش آنرا در رشد و توسعه اقتصاد کشور خاطر نشان ساخته و قاطعانه از اجرای اصلاحات ارضی تمام عیار و طرد زمین داران بزرگ حمایت کردند. در کنگره کمونیستهای سوریه مسائل مربوط به مبارزه برای دموکراسی و آزادی مطبوعات و افزایش نقش سازمانهای صنفی کارمندان و کارگران و روشنفکران انقلابی مطرح شد. کمونیستهای سوریه به این مسئله اشاره کردند که اخیراً برای فعالیت های ارتجاع در جبهه داخلی سوریه تشنج حاصل شده و بنابراین به خاطر مقابله با این فعالیتها ارتجاعی به هیچ وجه نباید کمترین ترس را در هشدار و آمادگی ایجاد شود چرا که اندک ترس در هشدار، ارتجاع محلی را گسترش می بخشد. بر کسی پوشیده نیست که ارتجاع محلی با امپریالیسم جهانی و صبیونیسم ارتباط دارد و به ترور سیاسی علیه نیروهای میهن پرست مبادرت کرده است. ارتجاع تلاش دارد مردم را معرکه سازد. در کنگره کمونیستهای سوریه موضع اتحاد شوروی در مورد مسائل جهانی و بویژه مسئله خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفت و این موضع درست و در جهت منافع اعراب ارزیابی شد. بکتاش گفت کمونیست های سوریه برفع گسترش دوستی با اتحاد شوروی نظر دارند و تلاش بر این است که شخصیت های سیاسی برای تحمیل با اصلاح ثوری «دو ابر قدرت» به مردم و همراز قرار دادن کشور امپریالیسم آمریکا و کشور سوسیالیستی اتحاد شوروی مورد انتقاد قرار گرفت.

رویدادهای جهان

رژیم دست نشانده آمریکا محکوم به فتناست

خشم و انزجار خلق های السالوادور از جمله جگمه پوشان رژیم نظامی و سرسپرده کشور به دانستگاه سان سالوادور که به کشته شدن حدود بیست تن منجر شد ادامه دارد. معاون دانستگاه سان سالوادور در یک صاحب مطبوعاتی در مکزیکو ضمن اشاره به این رویداد گفت داروسته حاکم بر کشور کماکان کجکبای نظامی از آمریکا دریافت میکند و کشتی های آمریکائی هر روز سلاحها را در السالوادور تخلیه می کنند. کارشناسان آمریکائی نیز عملیات علیه خلق را نظارت می کنند.

از سوی دیگر یک رهبر چریکی السالوادور در همین صاحب به وحتی روز افزون گروه های مبارز اشاره کرد و گفت روز های فراموشی رژیم دست نشانده السالوادور به شماره افتاده است. بزودی برنامه قیام عمومی خلق علیه داروسته مزدور تنظیم خواهند شد.

بیانیه اجلاس دبیرخانه دائمی کنگره سراسری خلق های عرب سیاست آمریکا در خاورمیانه را محکوم میکند

بگذاردش خبرگزاریها جهان من اجلاس دائمی کنگره سراسری خلق عرب که سازمانهای سیاسی و اجتماعی کشورهای عرب جهان را دربر میگیرد در بیانیه خود شدیداً سیاست آمریکا در خاورمیانه و تلاش این کشور را برای تحمیل اراده خود بر ملت های منطقه، مورد حمله قرار داد در بیانیه تأکید شد که امپریالیسم آمریکا تلاشهای خود را برای دستیابی به این هدف پاکت اردوای غربی را ادامه میدهد. آمریکا تلاش دارد کشورهای تازه ای را با مواقت نامهای کمپ دیوبند همراه سازد.

در بیانیه اضافه شده است رژیم صهیونیستی آن کشور را به پایگاه امپریالیسم آمریکا تبدیل کرد. قاهره هیواد باواشکنند علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه میکند. رژیم صهیونیستی برای تجاوز جدید علیه لیبی آماده شده و آلبوی را نیز تهدید می کند.

کنگره دائمی خلق عرب پیشنهاد کرد روز ۲۳ ژوئیه برای این باروز انقلاب مصر که به رهبری جمال عبدالناصر صورت گرفت تظاهراتی در مقابل سفارت خانه های آمریکا و مصر در جهان عرب برپا شود.

پیشنهاد سوریه در مورد استراتژی جدید در برابر تجاوز آمریکا، اسرائیل و رژیم سادات

بگذاردش رویش ناظران سیاسی در دمشق گفتند انتظار میرود رهبری سوریه برای تحکیم جبهه ضد امپریالیستی روایت با شوروی را تحکیم بخشد و بدین وسیله تامل استراتژیک در منطقه را باریزگر برقرار سازد. در پی امضای معاهده کمپ دیوبند بوسیله رژیم سادات این تعادل بیفیع اسرائیل برهم خورده است. منابع آگاه گفتند سوریه در کنفرانس وزیران خارجه و اقتصاد عرب که در عمان برگزار میشود طرحی در مورد اتخاذ یک استراتژی جدید از سوی اعراب علیه اسرائیل، برای دوران بعد از کمپ دیوبند، و هیچ امکانات اعراب علیه اسرائیل پیشنهاد خواهد کرد.

ملاقات و مذاکرات مهم بین رهبران اتحاد شوروی و ویتنام

مذاکرات رهبران دولتی و حزبی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام در مسکو انجام شد. ریاست هیئت شوروی را لئونید برزف دبیر کل حزب کمونیست و مسدور ایچای اتحاد شوروی و رهبری هیئت ویتنام را لهوان دبیر کل حزب کمونیست ویتنام برعهده داشت. الکسی کاسینیکوف و وان دونگ نخست وزیران دو کشور و همچنین دیگر رهبران برجسته حزبی و دولتی اتحاد شوروی و ویتنام در مذاکرات شرکت داشتند. در جریان مذاکرات لهوان نشان ستاره طلایی، عالی ترین نشان ویتنام را به برزف، کاسینیکوف و میخائیل سوسلوف عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی بخلای سبک که این سه تن در راه گسترش همکاری دوستی خلق های اتحاد شوروی و ویتنام ادا می کنند اعطاء کرد. لهوان گفت حزب کمونیست و مردم ویتنام لئونید برزف را رهبر برجسته حزب دولت شوروی و او را به دهنده راه و روش نسل بزرگ و از شخصیت های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری جهان و دوست بزرگ مردم قهرمان ویتنام میدانند. همچنین خدمات کاسینیکوف و سوسلوف برای حزب کمونیست و مردم ویتنام بسیار ارزشز است.

لهوان گفت مناسبات دو کشور بر اساس معاهده دوستی و همکاری گسترش می یابد و همبستگی بیگانه دو کشور نیروی شگرفی به مردم ویتنام بخشیده است. مردمی که اکنون برای دفاع از میهن در برابر داروسته حاکم بر پهن امپریالیسم آمریکا بیگانه می کنند، لهوان تأکید کرد حزب کمونیست ویتنام از تصمیمات اخیر پیمان ورشو از جمله تشکیل کنفرانسی از رهبران کشورهای همه مناطق جهان برای کاهش تشنجات جهانی استقبال می کند. لهوان اضافه کرد تشنجات کنونی در جهان از توطئه های آمریکا و چین ناشی میشود و در چنین شرایط بغرنجی تلاش های حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. لهوان تحریکات آمریکا و چین را در هندوچین مورد حمله قرار داد و تأکید کرد شوروی حامی خلق های هندوچین است.

لئونید برزف رهبر اتحاد شوروی پیمان دریافت کنندگان نشانها از حزب کمونیست و مردم ویتنام سپاسگزاری کرد و گفت دوستی و همبستگی دو کشور سال به سال گسترش می یابد و گسترش خواهد یافت. دو کشور در مسائل جهانی و بویژه در مورد آسیای جنوب شرقی اتفاق نظر دارند. و آرا من و رفاه خلق ها را در درجه اول اهمیت قرار میدهد. برزف گفت آسیای جنوب شرقی تا آرام است. رهبر اتحاد شوروی ضمن اشاره به نظام آمریکا و چین در آسیای جنوب شرقی گفت اما همه باید بدانند که هیچکس نمیتواند مشعل آزادی را در هندوچین خاموش کند.

در جهان سوسیالیسم

پیشرفت های چکسلواکی در زمینه شبکه های ارتباطی

چکسلواکی از نظر وسعت و کیفیت شبکه ارتباطی، یکی از کشورهای پیشرفته جهان بشمار میرود. این کشور دارای ۱۳۳۰۰ کیلومتر راه آهن، ۲۳۴۵۱ کیلومتر جاده و بزرگراه، ۵۰۸ کیلومتر آبراه، ۵۶۶۶ کیلومتر خط هوایی داخلی است. شرکت هواپیمائی ملی چکسلواکی (چ.اس.آ)، از ۱۲۰ هزار کیلومتر خط بین المللی هوایی استفاده میکند و از این حیث در میان کشورهای سوسیالیستی مقام دوم را داراست.

طبق آمارهای سال ۱۳۵۵، باربری بوسیله راه آهن در چکسلواکی ۲۶۹۴۳ تن کیلومتر بوده است. این بیکره برای جاده ۶۱۷۹ تن کیلومتر، برای آبراهها ۲۶۶۷ تن کیلومتر و برای خطوط هوایی ۴۶ تن کیلومتر است.

در سال ۱۳۵۶، شماره مشترکین تلفن در حدود ۲٫۷ میلیون بود. چکسلواکی دارای دوشبکه تلویزیونی است. برنامه اول سراسری است و برنامه دوم از سوی ۶۰ درصد سکنه قابل استفاده است.

در جهان سرمایه داری

افزایش سرسام آور بودجه نظامی در اسرائیل

از بودجه ۶۵۳ میلیارد لیره (اسرائیلی) اسرائیل ۸۷۴ میلیارد لیره، یعنی ۶۳٫۶ درصد را به مصارف مستقیم و غیر مستقیم نظامی اختصاص داده است.

یکی از اجزای مهم این رقم، بودجه وزارت دفاع است که بالغ بر ۲۱۰٫۹۵۰ میلیارد لیره اسرائیلی میگردد. باین رقم، همچنین باید، خارج زبیرا افزود: ۱۶۰ میلیارد لیره بابت پرداخت قرضه نظامی، ۱۶۹ میلیارد لیره بابت غرامت به مساکان تخلیه شده از سحرای سینا، ۴۹ میلیارد لیره بابت مصرف در مناطق اشغال شده، ۸۲۵ میلیون لیره بابت «کمیته انرژی اتمی» و ۹۰ میلیارد لیره بابت بودجه پلیس، بویژه در سرزمین های اشغالی.

باید یادآور شد که وزن بودجه دفاعی، در کل بودجه از ۲۷ درصد در سال گذشته، به ۳۷٫۳ درصد در سال کنونی افزایش یافته است.

مخارج نظامی محلی اسرائیل ۴۸ درصد از بودجه می یابد و از ۱۳۵۰ تاکنون رکوردی جدید خواهد بود.

حالت اسرائیل، پاتیلیمات خود، میخواید مردم را بفزید که گویا افزایش مخارج نظامی به پدید آوردن کار خواهد انجامید اما واقعیت آنست که بیش از نیمی از افزایش بودجه نظامی به نسبت سال گذشته صرف گسترش نیرو و توسعه ساختمانی در سرزمینهای اشغالی شد و تنها ۵۰ میلیارد لیره برای خرید در خود اسرائیل بکار رفت، که از این معنای ایجاد کار نیست.

در هیچ کشور دنیا، کارمندان پانزده اسرائیلی حاضر در طرحهای نظامی نیستند. بگذاردش «دانشجویان پژوهش استراتژیک» در لندن در سال گذشته، هر اسرائیلی ۱۱۴۰ دلار بابت مصارف نظامی پرداخت میکرد. بیکره مشابه برای ایالات متحده ۵۶۰ دلار، برای بریتانیا ۳۰۰ دلار، برای سوریه ۲۳۴ دلار، برای اردن ۱۲۵ دلار و برای مصر ۵۴ دلار است.

بموجب همین گزارش، ۲۶٫۲ درصد فرآورده ملی نوزده اسرائیل صرف نیازتدبیهای نظامی میشود. این رقم برای بریتانیا ۲٫۸ درصد، برای ایالات متحده آمریکا ۰٫۸ درصد و برای مصر ۱۲ درصد است.

سازمان وحدت افریقا انحلال پایگاه نظامی آمریکا در دیکوگاریا را خواستار شد.

آمریکا آماده شده سلاح را در اقیانوس هند بخطر می اندازد و اقیانوس هند باید به منطقه صلح تبدیل شود.

رهبران کشور های عضو سازمان وحدت افریقا کردند انگلیس باید جزیره دیوگوگاریا را هر چه زودتر به کشور موریتس بازرس دهد - انگلیس قبل از استقلال موریتس بطور

غیر قانونی دیوگوگاریا را تصرف کرد و پس آن را به آمریکا تحویل داد.

رهبران افریقائی اعلام کردند پایگاه دیوگوگاریا که برای استفاده سپاه واکشن سریع کارسیا که برای استفاده سپاه واکشن سریع

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!
بنام کمونیست‌های سوئد، شصتمین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ایران را به شما شادباش می‌گویم.
حزب توده ایران، وارث سنن درخشان حزب کمونیست ایران، سالهاست که بر رهبری کمیته مرکزی خود، در شرایط پس‌دشوار، به پیکار دلاورانه خویش برای دیکراسی و عدالت اقتصادی و سود زحمتکشان کشورتان ادامه می‌دهد.
حزب شما نقش برجسته در سرنگونی دیکتاتوری بربرمنشانه شاه بازی کرد. ما بخوبی با جان‌فروشی شما در این پیکار دیرینه و قربانیان آشنا هستیم و فعالیت صبورانه و دوراندیشانه‌تان را می‌ستاییم.
در حزب ما را مبارزه مشترک علیه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و تلاش تجاوزه‌کارترین مخالف امپریالیستی برای بازپس بردن چرخ تاریخ در ایران و احیای جنگ سرد پیوند می‌دهد.
ما پیروزی شما را در پیکار مقدس و تاریخی‌تان خواستاریم و همبستگی برادرانه خویش را با شما بر این می‌گذاریم.
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد
رولف هاگل
صدر کمیته مرکزی

اهالی شهر کاشی میبانی آب و برق ندارند

اهالی شهرک شریعتی ضمن نامه‌ای به سازمان برق منطقه‌ای خواستار دادن آب و برق به این شهرک شدند.
در نامه اهالی این شهرک آمده است: ... ما در شرایط کنونی که می‌باید مردم در حد اقل رفاه و آسایش باشند تحت مشکل‌ترین شرایط زندگی می‌نماییم. در محل سکونت اهالی این منطقه، نه برق است و نه آب لوله‌کشی و وسیله آسایش‌زندی و بهداشت برای خانوادها و فرزندان ما...
مندرجات این نامه که به امضاء ۹۰ خانواده رسیده است توسط کمیته جمهوری اسلامی منطقه ۱۳ نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مسئولین کمیته ۱۳ روزی این نامه نوشته‌اند که ساکنان این محله خودشان برق غیر مجاز را قطع کرده‌اند تا بتوانند برق قانونی بگیرند.

این اطلاعیه از جانب هواداران حزب توده ایران در پاکستان انتشار یافته است: مردم مبارز پاکستان!

همچنانکه اطلاع دارید در راهپیمایی روز جمعه ۱۳ تیرماه که به منظور پشتیبانی از محتوای عمیقاً انقلابی بیانیه اخیر امام خمینی رهبر انقلاب مبنی بر پاکسازی و تصفیه ادارات برگزار شده بود، عده‌ای از عوامل ضدانقلاب به منظور منحرف کردن مبارزه مردم، با یک برنامه از پیش تعیین‌شده به کتابفروشی قنونس و چند کتابفروشی دیگر حمله نموده و ضمن خرد کردن شیشه‌های کتابفروشی، کلیه کتابها و لوازم موجود در آنرا به آتش کشیدند. این اعمال با رهنمودهای امام و دستورالعمل مقامات رسمی کشور کاملاً مغایر بوده و ماهیت ضدانقلابی آن آشکار است. ما هواداران حزب توده ایران در پاکستان ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال فحشیمی که هدف آن ایجاد جو پر از تشنج و اختناق بوده و در نهایت بسود امپریالیسم سرکودگی آمریکا می‌باشد، از همه مقامات مسئول و نهادهای انقلابی می‌خواهیم که برخوردی مسئولانه به این گونه مسائل داشته باشند و در مقابل عوامل ضدانقلاب سستی و بی‌تفاوتی نشان ندهند و گفتارند عوامل مشکوک یا ضدانقلابی رهنمودهای امام را تحریف کرده و سکوت گزافه و سرپیچا علیه آن توطئه‌چینی کنند.
همچنین از عتبات انقلاب ما لظحات دشواری را میگذرانند، ضدانقلاب داخلی از همه ما را مورد حمله قرار داده و سعی دارد با ایجاد تشنج و درگیری زمینه را برای برپا برداری امپریالیسم آماده کند. بر ماست که در چنین شرایط حساسی، هشیاری فراوان از خود نشان‌دهیم، اتحاد و همبستگی خود را حفظ نموده و جلو توطئه‌های ضدانقلاب را به هر نام و عنوانی که انجام شود بگیریم.
هواداران حزب توده ایران در پاکستان
۱۳۵۹/۴/۱۵

شوخی نیست...

مدارک

کنفرانس سران کشورهای سازمان وحدت آفرینا مشغول بررسی چنایات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در تجاوز نظامی به آنکولا بود که پیام جیبی دریافت کرد. در این پیام ضمن دشنام‌گویی شدید به اتحاد شوروی از کنفرانس خواسته شده بود که دیگرونگی حمایت و همکاری خود را در زمینه مسئله افغانستان بیان کند.
(از پیام قطبیزاده به کنفرانس - جمهوری اسلامی ۱۲ تیر)
در این پیام ضمن آمده بود «در حال حاضر افغانستان (بخوان) «مبارزان» آمریکایی، چینی، پاکستانی، به‌تنهایی پارچنگ را بدوش می‌کشند و شواهد اتمال قبرمانه آنها آفرین می‌شود» (هانبها)
- مبارزین بتوان یکی از این شواهد، عکس مراسم بوسیدن دست انورسادات را که توسط رهبران پنج سازمان حزب‌اسلامی «مبارزین» انجام گرفت برای کنفرانس ارسال کنند!

«مقاومت» اسلام آمریکایی

یک رهبر مبارزان افغانی دیروز خواستار کمک تسلیحاتی غرب برای نبرد با سازمان شوروی در کمروش شد. گفت «در صورت فرسیدن چنین کمکی مقاومت اسلامی در برابر مداخله شوروی تضعیف خواهد شد»
(انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
- این اسلام، برخلاف اسلام امام خمینی، مقاومتی به تسلیحات امپریالیستی، متکی است!

رادیوی افغانستان آزاد!

سیداحمد گلانی رهبر «مبارزان» افغانی، داماد ظهیر شاه و نماینده «بزرگی» فرانس در افغانستان که اخیراً بنسبتیوس سادات رفته بود، در لندن (۱) گفت: «مبارزان برای آگاه ساختن مردم افغانستان (بخوان: مژوران همیاه و پاکستان و چین) ... و گفتن واقعیت... احتیاج به یک رادیوی افغانستان آزاد دارند!»
(انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
- برزیسکی به کارتر: قربان «بختیار» افغانستان هم رادیو میخواهد!!

باز هم پاداش برای ساواکیها!

«آقای فرید اسفندیاری پسرخاله شاه مخلوع و آچوبان وی، بعنوان معاون مدیرعامل و دواسل بعنوان عامل سرکوب و ایجاد کننده خفتان و استخفاف ماموران سازمان کشف امنیت، در این شرکت سالیانه ششاد پاداشت مبلغ گزافه بعنوان حقوق و پاداشهای کلان که حاصل دستمزد کارگران بود کار میکند...» (از نامه ۸۴۲ کارگر میزان تیر و رابر ایران به مقامات شوروی) (انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
«آقای اسفندیاری از کارخانه اخراج می‌شوند. هیئت حل اختلاف وزارت کار که این مجازات را در حق وی روانیست برای دلجوئی و نیز پاداش خدمات» اولیو ۲۷۵۹۶۰۸ ریال به عنوان خسارات اخراجی برای وی صادر کرده است.» (هانبها)
- پاداش است که در خبرها داشتیم جبهه سازندگی کرمان، بملت نداشتن بودجه در خطر تعطیلی است! (چرا! ۱۰ تیر)

باز هم «دولت موقت»!

حجت‌الاسلام حسین صفایی رئیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد و مسئول مبارزه با مواد مخدر این شهر درباره کارمندان ساواکی و ضدانقلابی که به‌تازگی رنگ عوض کرده‌اند و انقلابی شده‌اند چنین گفت:
«باید بگوییم که اینها در زمینه پیروزی برای مردم حاصل شد یعنی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، هیچکسشان چاقی در ادارات نداشتند. متأسفانه با آمدن دولت موقت لیرال خیلی صدمه باین انقلاب خورد. و این افراد همان دولت شامشاهی را قبول دارند و دنباله‌رو همان‌ها هستند...» (آزادگان ۱۲ تیر)
- هنوز هم داریم حزب دولت موقت را می‌خوریم!

اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در کرمان

هواداران حزب، که نامه مردم‌همی فروختند، خودسرانه دستگیر شده‌اند. آنها را هرچه زودتر آزاد کنید!
انقلاب ایران لظحات بحساسی راسی گذراند. توطئه‌های مداوم امپریالیسم آمریکا، این شیطان بزرگ و عوامل ضدانقلاب داخلی شدت بیشتری می‌یابد. دشمنان انقلاب ایران، در داخل و خارج کشور، سازمان‌یافته، روزنامه‌ها، رادیوها و عوامل رنکارک‌نک علی و مخفی ضدانقلابی در داخل و خارج کشور، پیچ شده‌اند تا انقلاب ایران را در تیره راه متوقف کنند.
در مقابل توطئه‌های رنکارک نیروهای ضدانقلاب، حزب توده ایران، از انقلاب و مشی قاطع و پیکر امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، برای تأمین استقلال ایران در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و در مبارزه برای خواستهای اساسی توسعه مردم علیه نظام طاغوتی و بهره‌کشی قاطمانه و با صداقت بی‌خنده انقلابی پشتیبانی کرده و می‌کند.
مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، در سطح استانها و شهرستانها نیز نمی‌توانند حساسیت لحظه فعلی را از نظر دور داشته و با این واقعیت ابتدایی رافرواش کنند که حزب توده ایران یک حزب سیاسی پاسخ‌گودخواست قانونی رفقا، آنها را بازداشت کرد. رفقای دستگیر شده، فردای آنروز آزاد شدند، ولی جای تأسف است که مقامات مسئول شهر، مسئولیت قانونی و انقلابی خویش را فراموش می‌کنند و به‌عمل ضدانقلاب اجازه فعالیت علی(۱) در جهت سلب آزادی از فعالیت گروهها و دستجات واحزاب سیاسی مدافع انقلاب را میدهند!

در جلسه علنی دیروز مجلس: اعتبار نامه نماینده میانه به علت رابطه با ساواک و عضویت حزب خلق مسلمان رد شد

نمایندگان خواستار خلع لباس و تحویل این فرد به دادگاه انقلاب شدند.
یکی از نمایندگان گفت: چرا وزارت کشور از همان ابتدا سوابق اینگونه افراد را روشن نکرد؟
در جلسه علنی دیروز مجلس که ساعت ۱۰ صبح با حدود نیم‌ساعت تأخیر رسمیت یافت، اعتبارنامه نماینده میانه، آقای جوانمردی به اتهام رابطه با ساواک منحل و عضویت در حزب آذربایجانی خلق مسلمان رد شد.
در ابتدای جلسه دیروز پس از توضیحات پیش از دستور چند نماینده، سخیر کمیسیون تحقیق، اعتبارنامه آقای محمدتقی مطهری را مطرح کرد و متذکر شد که پرونده وی در کمیسیون تحقیق با اکثریت آرا رد شده است. وی افزود: چون پرونده وی برای نمایندگان مجلس به حد کافی روشن نبوده بنا به پیشنهاد یکی از نمایندگان قرار شد بررسی اعتبارنامه انتخاباتی وی به جلسه آینده مرکول شود.
سپس دکتر یزیدی پرونده انتخاباتی و اعتبارنامه آقای اسدالله جوانمردی نماینده میانه را مطرح کرد. وی در توضیحات خویش پیرامون این پرونده گفت: «کمیسیون تحقیق پس از شنیدن شهادت محمود و نیز استماع دفاعیات آقای جوانمردی به دلایل زیر پرونده وی را با قاطعیت آرا رد کرد:
۱- عکسهای متعدد با شاه مخلوع و ایادی رژیم و سران ساواک، تاریخ آخرین عکس وی با شاه مخلوع ۱۳۵۶ است. ۲- اجهای سخنرانی در رادیو و تلویزیون اروپا و مساجد در زمان طغراف که بنا به گزارش ساواک اروپا و گفته صیاریان جاساد ساواک، وی در سخنرانیهای مردم را به «دیه‌پرستی» تحریک کرده و اعمال آن دسته از جوانان را که افکار ضدملی و کمونیستی دارند مورد انتقاد شدید قرار داده است. ۳- طبق اسناد موجود در پرونده وی رابطه نزدیکی با ساواک داشته و مورد قبول این دستگاه بوده است. وی بارها همراه کاروان حج به مکه اعزام شد. ۴- پس از پیروزی انقلاب بعنوان یکی از بنیانگذاران حزب جم‌جمهوری خلق مسلمان با این حزب همکاری داشته است.
پس از توضیحات دکتر یزیدی، آقای «حجی» بعنوان مخالف سخن گفت: وی در قسمتی از سخنانش ضمن اشاره به فعالیتهای ضدانقلابی و جوانمردی، گفت: «حزب جمهوری خلق مسلمان - خواست همانطور که مقدم‌براهای را در مجلس خبرگان داشت، این آقا را هم در مجلس شورای اسلامی داشته باشد. برای همین وی را به میانه فرستاد و مرتب توصیه‌نامه از طرف هواداران حزب به نفع ایشان داده میشود...»
وی سپس اسنادی را که بپیکار رابطه نزدیک وی با ساواک بود برای نمایندگان قرائت کرد و در پایان سخنانش گفت: «شورای روحانیت اروپا هم نوشته است اسدالله جوانمردی از طرفداران خلق مسلمان بوده و پیروی از خط امام نمیکرد است. مجلس باید ایشان را از لباس روحانیت خلع کند.»
هادی‌غفاری نیز در مخالفت با اعتبارنامه جوانمردی سخن گفت. آنگاه نوبت به باباسفری، مخالف دیگر رسید. وی گفت: «این افراد باید به دادرس انقلاب تسلیم شوند، مطمئن باشید که امتثال اینها تاکنون با لطف‌انجیل از چنگ قانون فرار کرده‌اند.»

در حاشیه مجلس

- در رای‌گیری دیروز مجلس روشن شد که ۷ تن از نمایندگان موافق حضور یک نماینده ساواکی در مجلس بودند. طبق نتیجه‌گیری ۴۱ نفر نیز در مورد این مسئله نظری نداشتند.
- تماشایان دیروز حضور چشمگیری در مجلس داشتند و هنگامیکه یکی از نمایندگان خواستار خلع لباس و تحویل نماینده میانه به دادگاه انقلاب شد، سب‌بار تکبیر فرستادند. دکتر سحابی پس از این عمل تماشایان به‌تکبیر اخطار کردند که نباید هیچگونه بیان و عکس‌العملی در جریان جلسات مجلس داشته باشند.

از گسترش فعالیت‌های ضدانقلاب در کرمان جلوگیری کنید

کشتن تهدید کرد. رفقای ما مشخصاً به کمیته مراجعه کردند و درخواست کردند که مانع اینگونه اعمال ضدانقلابی شوند، اما متأسفانه کمیته بجای پاسخ به درخواست قانونی رفقا، آنها را بازداشت کرد. رفقای دستگیر شده، فردای آنروز آزاد شدند، ولی جای تأسف است که مقامات مسئول شهر، مسئولیت قانونی و انقلابی خویش را فراموش می‌کنند و به‌عمل ضدانقلاب اجازه فعالیت علی(۱) در جهت سلب آزادی از فعالیت گروهها و دستجات واحزاب سیاسی مدافع انقلاب را میدهند!

مدتی است که فعالیت‌های ضدانقلاب در کرمان افزایش یافته است. ضدانقلابیون پیشی اعلامیه علیه رهبری انقلاب، امام خمینی، تشویق مردم به شنیدن رادیوهای ضدانقلابی و حمله مداوم به اعضا و هواداران حزب توده ایران را گسترش داده‌اند.
روز پنجشنبه ۱۳۵۹/۴/۵، عده‌ای افراد مشکوک و شناخته‌شده به‌ساط فروش تشریفات حزب توده ایران واقع در چهارراه کاظمی حمله کرده و شروع به پاره کردن تشریفات کردند. رفقای ما با مشاهده این وضع، به نیروهای انتظامی شهر که مسئول رعایت قانون، جلوگیری از تشنج و درگیری و سرکوب ضدانقلاب و عناصر آشوب-طلب هستند، مراجعه کردند و از آنان برای مقابله با تشریفات ضدانقلاب، استمداد طلبیدند. آنها به‌شهریانی مراجعه کردند و چهار بار با کمیته انقلاب اسلامی تماس گرفتند و خواستار فرستادن مأمور نیز جلوگیری از خرابکاری ضدانقلابیون شدند، اما متأسفانه به این خواستهای مکرر پاسخی داده‌نشد و یک مأمور شهرستانی که به محل فروش تشریفات حزب توده ایران آمده بود، پس از چند دقیقه ناپدید گردید. پس از رفتن مأمور، یکی از اوباش رفقای ما را به

قابل توجه دادستان انقلاب چالوس

دادستان انقلاب چالوس روزنامه «نامه مردم» را به رسمیت نمی‌شناسد و از ورود خبرنگاران آن به جلسات دادگاه‌های علنی جلوگیری می‌کند.
از ورود یکی از خبرنگاران نامه مردم، در چالوس به علنی دادگاه کسانی که در درگیریهای ۱۷ خرداد توشهر شرکت داشتند جلوگیری شده است. وی در این مورد می‌نویسد: برای کسب خبر و درج آن در روزنامه خواستم در این جلسه شرکت کنم، از آنجا که این دادگاه علنی بود به هر کدام از تماشایان یک برگ داده می‌شد. وقت من برای گرفتن برگ، ایچمه کردم مأمور این کارتن‌برک لذا از یکی از مأمورین دیگر خواستم که با کارت خبرنگاری به‌من اجازه ورود بدهند. او مخالفت کرد. من به دادستان انقلاب چالوس مراجعه کردم، دادستان انقلاب در جواب گفت: اگر خبر بدون اجازه دادگاه تهیه کنی شما را بازداشت می‌کنم. زیرا روزنامه مردم از نظر دادستانی کل انقلاب به رسمیت شناخته نشده است و تا دستور ندهند ما به شما اجازه نمی‌دهیم از دادگاه علنی خبر تهیه کنی. اگر تمهید کنی بازداشت می‌شوی.
ظاهراً اخبار پایتخت بسیار دیر بدست دادستان انقلاب چالوس می‌رسند! برجهت محض اطلاع دادستان انقلاب چالوس اسلام می‌کنیم که روزنامه «نامه مردم» دارای امتیاز قانونی است و به صورت آزادانه نشر، چاپ و پخش می‌گردد. امیدواریم این توضیح برای سایر مسئولین هم کافی باشد.

نامه فروردین ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول متوجه بیزادی
خیابان ۶۸ دشتما ۶۸۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
تلن، شماره تلکسی، ۲۱۴۰۸۱ TPI IR
چاپ، کلوان
MARDOM
No. 276
7 July 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM.
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 330 L.
USA 20 Cts.
Sweden 1.50 Skr.